

1-866-980-9977

122 w.15th st.North Vancouver.BC.Canada

صرافی سلامت  
www.salamat.ca

ارسال دلار به ایران و بالعکس - سریع و قابل اطمینان

**اتو استیگلر با ۵۰ سال سابقه**  
STIEGLER, INC.  
فروشده بیشترین اتومبیل های مرسدس بنز به جامعه ایرانی



**Jhon J.R Stiegler**  
خوشحال است عرضه کننده بهترین سرویس و خدمات بعد از فروش به مشتریان ایرانی باشد

(818) 788-0234  
16721 Ventura Blvd, Encino

از انتشارات ایران چاپ  
\$0.25



**عصر امروز**

Tel: (818) 783-0000 www.asreemrooz.com

**GENESIS**  
اولین، باتجربه ترین، غیر قابل رقابتترین مرکز پذیرائی از سالمندان



در جنسیس هیچکس پیر نیست  
وسپه رفت و آمد مهربان

همراه با صرف سناحه و نهار با ورزش، تفریحات سالم، موزیک و شادی، مراقبت های پزشکی، یوگا، یک نیک، کلاس انگلیسی، کامپیوتر و دهها نوع برنامه سرگرم کننده دیگر

رایگان تلفن اطلاعات ۷۴۷۵-۳۴۹۰ (۸۱۸) FREE

Vol 17, No:3937, Mon 27 June 2005 Tel: (818) 783-0000 \*\*\* Fax: (818) 783-3679 Email: info@asreemrooz.com

سال هفدهم - شماره ۲۹۳۷ دوشنبه ششم تیر ۱۳۸۴ (شهره روزانه ایرانیان خارج از کشور)



**با انتخاباتی تقلبی، آلوده و تحریم شده، رئیسی جمهوری تایید شده رهبر منصوب شد**  
او ادعا کرد ملت به خود باور رسیده و در این راه نیازی به امریکا ندارد!؟



**با نتیجه انتخابات موج گسترده مهاجرت از کشور آغاز شده است**

ابراز ناسف انگلستان از نارسایی در انتخابات! جامعه جهانی همچنان نگران برنامه اتمی، سیاست های رژیم در قبال تروریسم، حقوق بشر و روند صلح خاورمیانه است



**رستوران جوان**  
۱۱۵۰۰ سانتامونیکا بلوار  
جمعه و شنبه با بیانیوی داریوش عباسی  
دلیوری تاشعاع سه مایل مجانی  
۵۵۵۵-۲۰۷ (۳۱۰)  
www.javanRestaurant.com

فقط فساد اقتصادی و نفتی؟! صنایع نفتی فرسوده ایران به یاری فن آوری امریکا احتیاج دارد

برای زیباتر شدن با آزیتاشیرازی  
در مرکز جراحی زیبایی دکتر جورج بوریس  
تماس بگیرید

کلبه سبز  
با مدیریت جدید



**دکتر شاد، علی علوی**  
مطب جدید



دارای برد تخصصی در طب داخلی از آمریکا استادیار بالینی دانشگاه پزشکی کالیفرنیا قبول اکثر بیمه ها و مدیکر، تخفیف ویژه اگر بیمه ندارید ویزیت و خدمات آزمایشگاهی در منزل شما خدمات کامل پزشکی برای بانوان، آقایان و نوجوانان بتاکسی، کمک و مشاوره برای کاهش وزن چک آپ کامل با قیمت مناسب

5620 Wilber Ave Suite 319 Tarzana, Ca 91356  
ساختمان صورتی رنگ  
(818)345-0411



برای اطلاعات بیشتر با آزیتاشیرازی  
در دفتر دکتر بوریس تماس بگیرید  
Tel: 1-800-893-7788

**رستوران کلبه سبز**  
رستوران خانوادگی شما

همراه باکیتترینگ رستوران کلبه سبز  
انواع غذاهای ایرانی را با اطمینان خاطر نوش جان کنید  
۲۰۰۲۲ ونتورا بلوار  
بین کوربین و وینتکا در شهر وودلند هیز  
۸۸۱۵-۸۸۸ (۸۱۸) تلفن

**دیشی و رسیور ماهواره**



مخصوص تلویزیونهای  
۲۴ ساعته ایرانی  
فقط ۱۶۰ دلار  
(۸۱۸) ۲۸۸-۰۸۳۲

**رستوران شیراز**  
پنج شبه شب ها پزمان باقوی خواننده و نوازنده سازهای ایرانی با صدای گرم و دلنشین شادی بخش شما و مهمانان عزیزتان خواهد بود

**رستوران شمال**  
برنامه آخر هفته با موزیک زنده (صدای جمشید و رقص عربی و قاسم آبادی)  
۵ شب هفته با داریوش نوازنده کیبورد

میرزا قاسمی - باقالاتوق - کیبای ترش - کله کیبای زیتون پرورده و بلدرچین و کیبای اوزون برون کیبای کوبیده، کیبای سلطانی، کیبای برگ، جوجه کیبای، ماهی و انواع خورشیدها  
از ۲شنبه تا جمعه نهار مخصوص ۶/۹۹  
کیتیرینگ و دلیوری تا ۴ مایل مجانی  
19548 Ventura Blvd, Tarzana CA 91356  
Tel: (818) 609-9988

15470-2 Ventura Blvd  
(818) 789-7788  
دلیوری مجانی تاشعاع ۲ مایل

**RE/MAX**  
On The Boulevard  
نیلی - متخصص در خرید و فروش املاک  
در منطقه ولی



Tel: (818) 207 - 0407  
Office: (818) 346-7362, 47233  
email: info@nilirealestate.com  
www.nilirealestate.com

**ثریا رسمی نماینده بیمه**  
ارائه مناسبترین نرخ های بیمه :  
سلامتی - دندان - عمر - اتومبیل - تجاری - منزل  
وزلزله و نیز بیمه افراد ۶۵ سال به بالا  
۱۴۴۴ - ۶۰۰ (۳۱۰) ۷۳۱-۸۱۸۳ (۸۱۸)

**دکتر رضا کلاثری نژاد**  
متخصص و جراح چشم



اگر بیش از چهل سال دارید و برای خواندن عینک میزنید من می توانم با انجام عمل مدرن و جدید Light Touch CK با استفاده از امواج راداری و بدون برش روی قرنیه با استفاده از لیزر پیر چشمی شما را فقط در چند ثانیه اصلاح نمایم و جوانی را به چشمهای شما بازگردانم  
پشتوانه من تجربه صد هاجراحی موفق است که تاکنون انجام داده ام برای مشاوره رایگان و تعیین وقت با مطب من در اینستاگرام تماس بگیرید

Tel: (818) 380 - 9193  
888-88EYE MD  
تلفن رایگان  
16661 Ventura Blvd # 608

# رفسنجانی چوب تحریم انتخابات را خورد و خامنه ای در خیالات حکومت اسلامی است

اند، از جمله کسانی هستند که از این گنجینه ها غافل مانده اند.

مسلم! اگر محمد علی فروغی دکاء الملک- که خود گلستان سعدی را پیراسته کرده است- از استادش نیاموخته بود، زمانی در سرنوشت ایران آن چنان اثر گذار نبود. او در آن روزگاری که مغضوب رضاشاه به کنج خانه نشسته و دلش به درد آمده و خون میخورد و به شدت از شاه آزرده خاطر شده و ساکت بود، ولی دعوت رضا شاه را- برای نخست وزیری در آن بحبوحه هجوم متفقین به ایران و روزهای بحرانی- پذیرفت و در حالی که انگلیسی ها خواب های شومی برای ایران دیده بودند، سکان کشتی در غرقاب افتاده ایران را به دست گرفت و با سیاست و کجاست و تدبیر، شاهنشاهی ایران را با پهلوی دوم ادامه داد.

فروغی به زمانی که انگلیسی ها دنبال تتمه ای از بقایای احمدشاه قاجار می گشتند و تیرشان به سنگ خورده بود، ولیعهد را قیای پادشاهی پوشاند و به مجلس شورای ملی برد و سوگند خورد و پادشاه شد و متفقین، بخصوص استالین (که او هم دنبال یک رئیس جمهور برای ایران می گشت) او را پذیرفتند و حتی دیکتاتور اتحاد جماهیر شوروی وقتی به محمدرضا شاه تبریک می گفت، سفارش کرد: با قدرت پادشاهی کن!

سالها بعد ما چنین شخصیتی مثل محمد علی فروغی را در دکتر غلامحسین صدیقی وزیر کشور دکتر مصدق دیدیم. او پس از سال هایی که مغضوب محمدرضا شاه بود، دعوت او را برای نخست وزیری پذیرفت و در حالی که تمام مصدق پرستان- با افسوس بسیار از خوشنامی و نیک نامی و وجاهت ملی او نزد مردم می گفتند- صدیقی بزرگواری مثل سعدی، حافظ، فردوسی، مولانا و جامی و نظامی و معدودی دیگر در نظم و نثر خود گفته اند، چندان توفیقی نکرده است. مثل بیاباتی که از حضرت اجل سعدی در آغاز این مقال نقل شد. بخصوص که سعدی را واقعا استاد روزنامه نگاری باید دانست. روزنامه نگاری ما با بوستان و گلستان سعدی آغاز می شود و نه با چند ورق «وقایع اتفاقیه» دوران قاجار و بعد نشریاتی که از آغاز مشروطیت، منتشر شد. گزارش های تاب سعدی چه در حکایات «گلستان» و چه در اشعار «بوستان» از روزگار خود، دقیق و جالب است به اضافه هنر نویسندگی اعجاب انگیز او، تجربه هایش و حکمتی که در جزء جزء آن می بینی. با این حال واقعا جای تعجب است که دولتمردان ما همیشه چنین گنجی را در اختیار داشته اند ولی طعم خوش قدرت، مزه اشتها برانگیز زر و لاداید دنیوی، چنان آنان را از راه بدر برده که حتی گوشه چشمی به این گنجینه های پرارزش زبان فارسی نداشته اند یا سرسری از آن گذشته اند. شاید هم خیلی از پادشاهان، وزیرانی که موفق بوده اند، خوشنام زیسته و بعد از مرگشان «خدا بیامرز» برای خودشان خریده

## حرفهای روز



از: عباسی پهلوان  
تلفن مستقیم سردبیر  
۲۸۴۹-۷۸۳ (۸۱۸)

## برای عبرت روزگار

جهان ای برادر نماد به کس دل اندر جهان آفرین، بند و بس ممکن تکیه بر ملک دنیا و پشت که بسیار کس چون تو پرورد و کشت چو آهنگ رفتن کند جان پاک چه بر تخت مرنن چه بر روی خاک

این بنده چند بار نوشته است تمام کسانی که می خواهند مدیریت را از سطح یک اداره و شرکت تا مقام پادشاهی و ریاست جمهوری را بر عهده بگیرند، می بایستی بسیار از آثار مشاهیر ما، گنجینه و شعر و ادبیات ایران را بخوانند هر چند هیچ کدام را بر دیگری نمی توان ارجح داد ولی برای فراگیری، برای دانستن مردم و جامعه و بسیاری از موضوعات دنیوی، خواندن این مجموعه های نظم و نثر، به دقت خواندن و چند بار خواندن و حتی پی جویی، آنها ضروری است.

## مسائل دنیا - تا آنجایی که به انسان و خلقیات انسان و زندگی مربوط است

یا در پی قدرت بودن و بر ابریکه قدرت نسننن و ریاست بر مردمان است- با چندین و چند قرن پیش که بزرگواری مثل سعدی، حافظ، فردوسی، مولانا و جامی و نظامی و معدودی دیگر در نظم و نثر خود گفته اند، چندان توفیقی نکرده است. مثل بیاباتی که از حضرت اجل سعدی در آغاز این مقال نقل شد. بخصوص که سعدی را واقعا استاد روزنامه نگاری باید دانست. روزنامه نگاری ما با بوستان و گلستان سعدی آغاز می شود و نه با چند ورق «وقایع اتفاقیه» دوران قاجار و بعد نشریاتی که از آغاز مشروطیت، منتشر شد. گزارش های تاب سعدی چه در حکایات «گلستان» و چه در اشعار «بوستان» از روزگار خود، دقیق و جالب است به اضافه هنر نویسندگی اعجاب انگیز او، تجربه هایش و حکمتی که در جزء جزء آن می بینی. با این حال واقعا جای تعجب است که دولتمردان ما همیشه چنین گنجی را در اختیار داشته اند ولی طعم خوش قدرت، مزه اشتها برانگیز زر و لاداید دنیوی، چنان آنان را از راه بدر برده که حتی گوشه چشمی به این گنجینه های پرارزش زبان فارسی نداشته اند یا سرسری از آن گذشته اند. شاید هم خیلی از پادشاهان، وزیرانی که موفق بوده اند، خوشنام زیسته و بعد از مرگشان «خدا بیامرز» برای خودشان خریده



## دردقترايام

از وقتی مشخص شد «بیت رهبری» تحت فرماندهی خامنه ای و با عاملین اجرائی مثلا شورای نگهبان، تصمیم قطعی دارند «سورپرایزی» را که «کیهان» اشغال شده ایران، پیش از شروع انتخابات به ملت حیران ایران وعده داده بود، با نشان «احمدی نژاد» بر صندلی ریاست جمهوری، به اثبات برسانند، عشار شدیدی بر من حاکم شد که به غبار رویی از خواننده های گذشته بنشینم!

گرد و غبارهای تاریخی را از سر و کله «ذهن» بشویم و در خلوت خویش، سیری کنیم در گذشته هانی که اتفاقاتش در زمان خردسالی من روی داده بود، اما مثل همه اتفاقات حقیقی تاریخی، بر جای مانده بود. در کتاب ها مانده بود، در اسناد مانده بود، در صورت جلسه گفتگوهای مجلس باقی مانده بود، در خاطره نویسی اهل سیاست باقی مانده بود و بعدها، من و امثال من که به هنگام وقوع آن حوادث، کودک و نادان بودیم، نتوانسته بودیم آن رویدادها را مرور کنیم و بنویسیم در ذهن خود برای آن سلسله حوادثی که منجر به سقوط نظام کهن پادشاهی در ایران شد و ملت را به این سبه روزی انداخت، یک روند منطقی پیدا کنیم...

اینگونه بود که در سه روز آخر هفته، وقت من، در جستجوی آن اسناد باقیمانده از آن دوران گذشت! نامه «احمد قوام» را در سال ۱۳۲۸ به «پیشگاه اعلیحضرت همایون

## محمد عاصمی- مونیخ

## درخت، ایستاده می میسیرد

این هفته با شعری از «بروتوت برشت» به سلام شما می آیم، با یاد همه آن درختان بلندقامتی که در سرزمین ما ایستاده مردند و می میرند:

در پرده ی حریر مه سرخ شاگها، دیدیم شعله های فورزان، زبانه کش، بر چهر آسمان سبه، تازبانه زن، آنجا، میان دشت با ضربه های خشک چکاچک می سوخت، یک درخت.

سر می کشید، شاخه ز شاخه به آسمان هر شاخه ی سیاه، در هاله ای ز تابش رقص جرقه ها، رقصی عبوس و درهم و وحشی... در ماورای محفل مه، از زمین سرد، باران شعله بود که می بارید... آن برگهای خشک، با رقص های وحشی، شادان و شعله در می سوختند، خنده زنان بر درخت پیر او را به باد مستخره می دادند...

اما، بزرگ و شعله ور و آرام، مانند پهلوانی پیر و خسته در آن شب سیاه با قامتی کشیده، شاهانه بر جای مانده بود آن شعله و درخت...

آنگاه، از فراز آن قامت بلند سرافراز زانو زمین نرد در موج ارغوانی رقص جرقه ها درهم شکست و سوخت.

# اتفاقی شگفت یا تکرار تاریخ؟!

بهد رسیدم به اقدام «جمال امامی» که پس از حادثه سو، قصد به جان شاه در کاخ مرمر (۲۱ فروردین ۱۳۴۳) همراه گروهی از شخصیت های کهن سال خیراندیش که نگران مملکت بودند، روانه دربار شدند تا «در محضر شاه چاره جوئی» کنند، اما آنها که مورد تحقیر قرار گرفته بودند، با یاس از دربار بیرون آمدند و طولی نکشید که همه آنها خانه نشین شدند و جای آن استخوان دارها را تازه به دوران رسیده های هفت خطی مانند «هوشنگ انصاری» گرفتند... حتی جریان استغفای زاهدی، امیر ارتشی که با به خطر انداختن جان خود، سلطنت را حفظ کرده بود از نخست وزیری را مرور کردم که با چه داشکستگی، مملکتی را که از دست کمونیست ها نجات داده بود، رها کرد و «غربت نشین» شد...

این مرور ذهنی را تا بازداشت ناگهانی و غیر منتظره «امیرعباس هویدا» که مملکت را یک «پادگان نظامی» معرفی می کرد که تنها یک فرمانده به نام «آریامهر» دارد ادامه دادیم... عجب در مملکت ما تاریخ به اشکال گوناگون تکرار می شود و ملتی که حافظه تاریخی ندارد یا حوصله خواندن و اندیشیدن ندارد، در سطوح مختلف، آزموده را باز هم به

آزمایش می نشیند و باز هم «در چاه می افتد و می بیند سزای خویش...»!

این سیر تاریخی در ذهن و این «غبار رویی» چه ارتباطی با مسئله «انتصاب» احمدی نژاد به ریاست جمهوری دارد...؟

اتفاقی که در ایران روی داد و جهانیان را شگفت زده کرد، نه اتفاق تازه ای بود و نه مسئله نوظهوری... از روزی که آخوندها قدرت را در دست گرفتند، به دلیل وجود جبهه ها و جناح های گوناگون، هر دسته می کوشیدند به بهانه ای، با عوام فریبی، رشوه، ارتشا، زد و بند، یک «مرکز قدرت» بوجود آورند. هر روزه خوانی، آرزو داشت یک «شاهنشاه آریامهر» بنشیند و جای تنه تصمیم گیری کند. با این تفاوت که مرا عقیده بر آنست که پادشاه فقید یک «اتو کرات» بود و هر آخوند در ذات خود یک «دیکتاتور»! خوانندگان فرزانه ما به خوبی تفاوت «اتوکرات» و «دیکتاتور» را می دانند. «اتوکرات» مرد روشن بین و دوراندیشی است که با قدرت مملکت را به جلو می راند و دیکتاتور جز شخصی شخمی خودش، هیچ چیزی را بر نمی تابد. اما نکته بسیار مهمی که موجب بقیه در صفحه ۵

# طرف «گاوه» نیست، یاوه است!

امتی و کاهش شانس بهبود روابط با آمریکا خواهد شد. در این زمینه احمدی نژاد اعلام کرده است که بهبود روابط واشنگتن حلال مشکلات ایران نیست. در این میان گرچه دنیای غرب با نوع برگزاری انتخابات و انتخاب احمدی نژاد مخالف هستند، اما ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه از این بابت راضی به نظر می رسد و به عنوان اولین مقام خارجی که برای وی تبریک فرستاده عنوان کرده که مشارکت دراز مدت دو کشور توسعه خواهد یافت.

در هر حال شرایط موجود با توجه به اختلاف نظری که بین هاشمی رفسنجانی و خامنه ای بر سر انتخابات پدید آمده گویای آن است که نظام آستان حوادثی است که در آینده شاهد آن خواهیم بود.

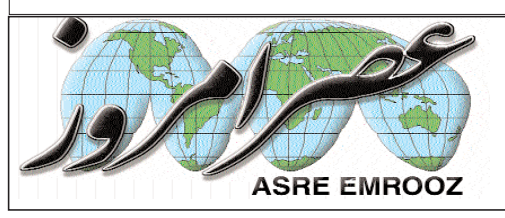
پرسیدم کجا می روید (تا به بینم مسیرم با مسیر تاکسی یکی است یا نه) او در پاسخ گفت: به قبرستان! وقتی با تعجب علت را سؤال کردم او بی پروا گفت: با انتخاب احمدی نژاد کجا برای ما بهتر از قبرستان است؟

در حال حاضر مخالفان وی که تعدادشان کم نیست، بیمانند که پیروزی احمدی نژاد به تشکیلات محافظه کار کمک کند تا تتمه آزادی های نسبی اجتماعی را معکوس سازد و وزارتخانه ها را از نیروهای تندرو لبریز کند و بر فشارها بیفزاید.

عده ای نیز که چشم به عادی شدن روابط تهران و واشنگتن داشتند می گویند که انتخاب وی منجر به اتخاذ موضع سرسخت تری از سوی ایران در مذاکراتش با غرب بر سر برنامه

# وودلند هیلز مارکت

آب انارصاف	۳۲۰Z	۹۹ دلار ۳۰
خیارشور یک و یک	۲۳۰Z	۱/۹۹ دلار
آلیومی طبیعی اعلا	۱۴،۵۰Z	۱.۷۹ دلار
سبب پینک لیدی	پاندی	۴۹ سنت
زردآلو	پاندی	۶۹ سنت
پیازچه و تریچه	پسته ای	۱۰ سنت
سبب کالا	پاندی	۴۹ سنت
لک کواتر	پاندی	۵۹ سنت
کوبیده مرغ	پاندی	۳۹ دلار ۲۰
فیله مینیون	پاندی	۵۰ دلار ۴۹
لم سلدر	پاندی	۵۲ دلار ۷۹
کالباس آرزومان مارکدلا	پاندی	۴۰ دلار ۴۹
پنیر بلغار	پاندی	۲۰ دلار ۷۹
ماست موسیر	پاندی	۲۰ دلار ۷۹
کباب کوبیده، دوسیخ ووجه کباب یک سیخ	پاندی	۵۰ دلار ۹۹
سبب کباب (چنجه)	پاندی	۶۹ دلار
سبب پلو با ماهی سفید(دو تکه)	پاندی	۷۹ دلار
( شامل نان و ریحان و گوجه فرنگی و لیمو ترش )		
هر روز یک غذای مخصوص شامل لویابلو، زرشک پلو با مرغ، آبپلو پلو و باقالی پلو با ماهیچه فقط ۵.۹۹ دلار انواع خورشت ها ۶/۹۹		
سالادها- ماست خیاز- ماست اسفناج- ماست موسیر- ماست خیاز یونانی با ماست چکیده		
کیتترینگ پذیرفته میشودبا منقل ذغالی صبح تا ۹ بهترین کیفیت		
ساعات کاری : یکشنبه ها ۹ صبح تا ۹ شب		
بقیه روزها ۸ با مادام تا ۹ شب		
آدرس : ۱۹۹۶۴ و تورا بلوار در شهر وودلند هیلز		
۸۱۸-۹۹۹-۴۴۷۷		



مدیر: همایون هوشیار نژاد سردبیر: عباس پهلوان Fax: (۸۱۸) ۷۸۲-۳۶۷۹ Tel: (۸۱۸) ۷۸۳-۰۰۰۰  
IRANIAN PUBLISHING INC. ASRE EMROOZ.com  
16661 Ventura Blvd#212 Encino, CA 91436  
Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679 www.asremrooz.com

# با این افتضاح بزرگ در ایران و خیانت به سه نسل چگونه سرم را بالا بگیرم؟!



فاتیست ها یکباره مصدق شود، و پوزش از مردم، بگوید لایحه ی عفو عمومی را به مجلس می برم. راست بفروشند و با پولش جامعه ای را تحقیر کنند، از ابتدا شوخی جایی برد که اکثر هنرمندانش پیش بی مرزه ای بود. **گردن نهادن به حکم حکومتی** یعنی نقله شدن شخصیت. گردن نهادن به حکم حکومتی نتیجه اش این می شود که آدم به جای

## از: عباس معروفی مدیر و سر دبیر ماهنامه گردون- آلمان

**انتخابات و بازسازی رژیم**  
انتخابات غیر دموکراتیک نمی توان انتظار دموکراسی داشت. انتخاباتی که تنورش با حکم حکومتی داغ شود، با تقلب در شمارش آرا پایان می یابد. و همه می دانیم که این انتخابات از همان آغاز بر پایه ی تقلب و جرفنی بنا شده است. اصولش غیردموکراتیک است، نظارتش غیردموکراتیک است، احراز صلاحیت کاندیداها پیش به وسیله ی شورای جن گیرها غیر دموکراتیک است، رسانه ها غیر دموکراتیک آدم می سوزاند و چهره می سازند، در چنین انتخاباتی با تهدید رأی می آورند، با تخریف رأی می سازند، نیروهای نظامی را با لباس و بی لباس به صحنه می آورند، همه چیز را به نابودی می کشند که به تحریمی ها ثابت کنند حرف آخر را همان اول می زنند. انگار دارند با امریکا می جادله می کنند، مراسم روکم کنی است. در چنین انتخاباتی پیروزی اصلاح طلبان یک شوخی است.

این چیزها را شهید زنده و مغز اصلاحات (سعید حجاریان) می داند، به ویژه که او هشت سال معاون فلاحيان و وزارت اطلاعات بوده، اما چرا همه را به دنبال خود کشیده و جامعه را کرده توی قوطی "من چه کنم؟" از نهضت آزادی و یزیدی ضمن تجسم های خود وقتی به جواهرات آویزان به ناف دخترک رسیدم سعی کردم کمی منطقی باشم و درست همان طوری که آویزان کردن گوشواره از گوش را به صورت همگانی قبول کرده ایم، به آن نقطه از بدن هم با تعصب نگاه نکنم.

با خودم حساب کردم که ناف هم چیزی مثل لاله گوش است؛ یک تکه گوشت بی خاصیت که فقط چرک جمع می کند و گاهی موقع تماشای تلویزیون می توان با آن بازی کرد. عضو قشنگی هم نیست که مثل دست و پا و رنگ چشم توجه کسی را جلب کند؛ یک چیزی مثل سر یک بادکنک که اون وسط ها افتاده و کسی کاری با آن ندارد.

با خودم فکر کردم اصلا چرا بند ناف را این جوری می برند؟ اگر آویزان کردن طلا و جواهرات و فلزات به بند ناف برای این است که توجه همه را به شکمشان جلب کنند، اصلا بهتر نیست که بند ناف را چند سانتیمتری بلندتر ببریم و گره نزیم؟ تازه این جوری می شد به این لوله شلنگ مانند که از وسط شکم آویزان است کلی حلقه و گوشواره و شاید هم «ناف واره» آویزان کرد؛ حتی می شود به آن دخیل بست و روبان و پایون زد!

با خودم فکر کردم چقدر جالب می شد اگر بند ناف را برای زیبایی و توجه بیشتر بلندتر و بلندتر ببرند و آن ها هم در زمره اعضا سگسی دیگر خانم ها قرار بگیرند؛ درست مثل درشتی سینه ها یا قلوه ای بودن لب ها و غیره.

مجموع کردن خانمی با پیراهن شکم نما دار از خیابانی رد می شود و بند ناف یک متری او که رویش دو سه قطعه الماس کوئیده شده است تقریباً تا روی زمین آویزان است و در همین بین چند تا کارگر ساختمانی برای او سوت می زنند و به یکدیگر می گویند: طرف عجب بند ناف محشری خورده که رفتند و ملت ها مانده اند!

نظام جمهوری اسلامی می ماند تا اسلام را لاقل در نیمی از جهان مستقر کند و شمارا هم چال کند. + + هیترو استالین (فلا آدمکش های دیگری) از این که های زنادی می خورند که رفتند و ملت ها مانده اند!

مهرنوش قربانعلی آمدن می آبی خیس تر از باران گلدان کوچک زمین چه تنگ است برای تو

رزینا انوشه پور بدرود! در سایه روشن مهتاب که با هم از جویبار اشک گذر می کردیم واژه ی «خداحافظی» را به ساقی دست سپردی و من اکنون قصه پرداز گل، سنگ، باد و باران

شیرین رضویان تشویش در تلاطم و تشویش دریا طوفانی است و دود سراسیمه از سرخ سیگار نیم سوخته ام می گریزد می پیچد می غلند می میرد. نقش لبانم بیگانه، بر سیگار مضطرب می خدد. در تلاطم و تشویش به چه می اندیشم؟ دریا طوفانی است. ماهیان کوچک از سوراخ های تور می گریزند و ماهیان بزرگ دل به دریا زده اند. تور خالی، دریا طوفانی، موج ها کف بر ب سیگار تازه ای می سوزد در تلاطم و تشویش.

# زیورآلات ناف..!



بدمنم سیخ بود با خودم فکر کردم، این طرف با این همه سیخ و سوزن توی دهنش چطور غذا می خورد؟! بیچاره چه زجر می کشد تا بستنی قیفی را لیس بزند! آیا این میخ های توی دهنش رنگ نمی زند؟ آیا باید هفته ای یک بار به آن ها روغن چرخ خیاطی بزند؟ چطور با دوست پسرش بوسه های از نوع فرانسوی یعنی زبان در حلقوم می گیرد؟ آیا دوست پسرش یاد گرفته که چگونه زبانش را لای میخ و سوزن ها به حرکت در بیاورد تا زخم و زلی نشود؟ آیا او هم زبان فلزدار دارد؟ اصلا این دخترک چطور از دروازه فلزیاب فرودگاه ها رد می شود بدون این که سوت آن ها به صدا درآید؟

آیا موقع رد شدن از این دروازه ها باید همه فلزات را از بدنش در بیاورد و بعد وارد شود؟ با خودم فکر کردم، اصلا تقصیر این زن های هندی است که با مد کردن دماغ های سوراخ دار این کارها را شروع کردند. حالا گوشواره به گوش آویزان کردن یک چیزی؛ یک لاله گوش داریم که مصرفی ندارد و یک تکه گوشت اضافه است که آویزان و حیران از بغل صورت نمایان است. شاید هم خدا گوشت زیاد آورده و گفته بگذار این جوری باشد.

اصل این زن های هندی، و یا این دخترک، با این همه فلز توی دماغشان چطور می سرماخوردگی دماغشان را می گیرند؟

ضمن تجسم های خود وقتی به جواهرات آویزان به ناف دخترک رسیدم سعی کردم کمی منطقی باشم و درست همان طوری که آویزان کردن گوشواره از گوش را به صورت همگانی قبول کرده ایم، به آن نقطه از بدن هم با تعصب نگاه نکنم.

با خودم حساب کردم که ناف هم چیزی مثل لاله گوش است؛ یک تکه گوشت بی خاصیت که فقط چرک جمع می کند و گاهی موقع تماشای تلویزیون می توان با آن بازی کرد. عضو قشنگی هم نیست که مثل دست و پا و رنگ چشم توجه کسی را جلب کند؛ یک چیزی مثل سر یک بادکنک که اون وسط ها افتاده و کسی کاری با آن ندارد.

با خودم فکر کردم اصلا چرا بند ناف را این جوری می برند؟ اگر آویزان کردن طلا و جواهرات و فلزات به بند ناف برای این است که توجه همه را به شکمشان جلب کنند، اصلا بهتر نیست که بند ناف را چند سانتیمتری بلندتر ببریم و گره نزیم؟ تازه این جوری می شد به این لوله شلنگ مانند که از وسط شکم آویزان است کلی حلقه و گوشواره و شاید هم «ناف واره» آویزان کرد؛ حتی می شود به آن دخیل بست و روبان و پایون زد!

با خودم فکر کردم چقدر جالب می شد اگر بند ناف را برای زیبایی و توجه بیشتر بلندتر و بلندتر ببرند و آن ها هم در زمره اعضا سگسی دیگر خانم ها قرار بگیرند؛ درست مثل درشتی سینه ها یا قلوه ای بودن لب ها و غیره.

مجموع کردن خانمی با پیراهن شکم نما دار از خیابانی رد می شود و بند ناف یک متری او که رویش دو سه قطعه الماس کوئیده شده است تقریباً تا روی زمین آویزان است و در همین بین چند تا کارگر ساختمانی برای او سوت می زنند و به یکدیگر می گویند: طرف عجب بند ناف محشری خورده که رفتند و ملت ها مانده اند!

نظام جمهوری اسلامی می ماند تا اسلام را لاقل در نیمی از جهان مستقر کند و شمارا هم چال کند. + + هیترو استالین (فلا آدمکش های دیگری) از این که های زنادی می خورند که رفتند و ملت ها مانده اند!

فاتیست ها یکباره مصدق شود، و پوزش از مردم، بگوید لایحه ی عفو عمومی را به مجلس می برم. راست بفروشند و با پولش جامعه ای را تحقیر کنند، از ابتدا شوخی جایی برد که اکثر هنرمندانش پیش بی مرزه ای بود. **گردن نهادن به حکم حکومتی** یعنی نقله شدن شخصیت. گردن نهادن به حکم حکومتی نتیجه اش این می شود که آدم به جای

فاتیست ها یکباره مصدق شود، و پوزش از مردم، بگوید لایحه ی عفو عمومی را به مجلس می برم. راست بفروشند و با پولش جامعه ای را تحقیر کنند، از ابتدا شوخی جایی برد که اکثر هنرمندانش پیش بی مرزه ای بود. **گردن نهادن به حکم حکومتی** یعنی نقله شدن شخصیت. گردن نهادن به حکم حکومتی نتیجه اش این می شود که آدم به جای

## غزل روز مهدی عاطف راد

### آسمان دیدگانت بی کوان...

می کشایم بال و جاری می شوم در اوج ها زیر بال آرزوها می کشم آفاق را می کنم پرواز تا دروازه ی آواز تو اوج می گیرم به سوی مشرق بی انتها خنده ات خورشید روشن، بوسه ات صبح سپید قلب صاف و صداقت سرچشمه ی صدق و صفا آسمان دیدگانت بی کران در بی کران در نگاه تابناک آفتاب دلگشا نور باران می کند شب را فروغ کوکبت کهکشانات باشدم در ظلمت شب رهنما راه صبح دوستی را می نمایاند به من از سیاهی های کژ رفتار می سازد رها ناشناسم گر، به چشم عالم و آدم چه غم؟ هست چون با من نگاه مهربانت آشنا تا ابد پاینده می ماند سرود سرگشم چون صدای یادمانت هست با من آشنا بلبلت را آشیان ده در دل گلپانگ خود ای نوای گرم تو شیوا و آوایت رسا

**SOUTH BAYLO** دانشگاه طب سوزنی و گیاه درمانی تا دریافت عالیترین مدارج دکترای تخصص برای ترم آینده ثبت نام می کند

پزشکان ایرانی که مایل به گذراندن امتحان های U.S.M.L.E نیستند پس از حدود ۲ سال تحصیل در این دانشگاه می توانند به طبابت بپردازند.

ورود به این دانشگاه شرط سنی ندارد. کلاس ها ۶ عصر شروع می شود و شما می توانید از وام و کمک هزینه دانشجویی نیز استفاده کنید.

اشخاصی که دارای ۶۰ واحد تحصیلی کالج یا دانشگاه هستند در این دانشگاه پذیرفته می شوند

آگاهی بیشتر را از بهزاد رزاقی بپرسید ۲۸۴۶-۳۹۷ (۳۲۳) ۶۵۳۰-۳۸۹ (۲۱۳)

جهت استفاده از خدمات کلینیک این دانشگاه و استفاده از (NATIVE MEDICINE) ALTER داروی جایگزین با دکتر علی نعمت بخش تماس بگیرید ۱۹۷۴-۲۳۵ (۲۱۳) آدرس: ۲۲۷۷ خیابان ششم تقاطع لافایت در لس آنجلس 2727 W.6th ST, LOS ANGELES, CA 90057

**شعر معاصر** ۸ تیر امسال

● بعد از تحریم انتخابات، برای مخالفان رژیم در خارج مگر حرف دیگری مانده که به مردم توصیه کنند؟ + + مردم باید خودشان آن حرف آخری را پیدا کنند که رژیم را مرخص کنند و بالاخره هم خواهند کرد.

**شب ۱۸ تیر امسال**

● از حالا پیشنهاد کنید که به منظور تجلیل از جنبش ۱۸ تیر دانشجویی روز جمعه ۱۷ تیر همه مردم در ایران از ساعت ۶ بعد از ظهر در خانه نمانند و به خیابان ها بیایند و یاد مبارزان ۱۸ تیر را تا پاسی از نیمه شب زنده نگاهدارند.

+ + پیشنهاد بسیار خوبی است که در واقع سالگرد آن جنبش است. دنباله اش را می گیریم با شعار: شب ۱۸ تیر هیچ کس نباید در خانه ها بماند!

**مردم همت گردند!**

● ما با تحریم انتخابات از طریق اینترنت از روزنامه شما آگاه شدیم. دستانتان درد نکنند (پیام از تهران)

+ + درود به همت مردمی که دهان به دهان همه را آگاه کردند و خود با دلوری انجام دادند!

**غلط های زیادی!**

● نظام جمهوری اسلامی می ماند تا اسلام را لاقل در نیمی از جهان مستقر کند و شمارا هم چال کند. + + هیترو استالین (فلا آدمکش های دیگری) از این که های زنادی می خورند که رفتند و ملت ها مانده اند!

**طنزی از: مسعود ناصری**

رفته بودم به این فروشگاه کرایه ویدیو که یک فیلم بگیرم و تماشا کنم. وقتی فیلم دلخواهم را پیدا کردم توی صف ایستادم تا نوبتم شد و یکی از دو سه صندوق دار صدایم کند. همان طوری که به دور و برم نگاه می کردم و سرگرم دیدن بوسترهای فیلم و تابلوهای تبلیغاتی فیلم های آینده بودم، صدای دختر صندوق دار را شنیدم که گفت: نقر بعدی! با سرعت خودم را به جلوی پیشخوان رساندم. دختر صندوق دار پیشش به من بود و داشت ویدئوهای برگشتی را در یک چرخ دستی می گذاشت. وقتی به طرف من برگشت و نگاهم به او افتاد بی اختیار جیب کوتاهی کشیدم. با این که جیبم زیاد بلند نبود ولی توجه بقیه مشتریان را جلب کرد و همه به من خیره شدند. با دهان باز داشتم به دخترک صندوق دار نگاه می کردم: موجود عجیب و غریب بود. توی ابرویش دو سه تا حلقه زده بود و دور لب و دماغش هم چند تا میخ و سوزن و سنجاق قفلی فرو رفته بود! به هر کدام از آن قطعات فلز که نگاه می کردم بی اختیار صداهایی شبیه اوف! آخ! اوف! از دهانم در می آمد. آن قدر اوف و آخ و اوف کردم که خانم مشتری صندوق بغلی فکر کرد که من دارم با دخترک لاس می زنم و شروع کرد به تکان دادن سرش و چرخاندن چشمانش در حدقه که: یارو رو باش!

دخترک هنوز داشت بر و بر مرا نگاه می کرد. انگار که از تعجب من او هم تعجب کرده بود. لابد خیال می کرد: که این یارو چقدر ندید بدیده! در حالی که من سعی می کردم به فلزات صورت او نگاه نکنم و ویدیو را روی پیشخوان گذاشتم. حس می کردم تمام موهای پشت و کمر سیخ شده اند. او جلد فیلم را نگاه کرد و بعد لبخندی زد و گفت: این فیلم خوبی، من دو بار آن را دیده ام! وقتی دهانش را باز کرد و این کلمات را گفت فلزات جدیدی در دهانش کشف کردم. روی زبانش می چند تا میخ و سیخ زده بود! دوباره بی اختیار گفتم: «اوف!»

وقتی دخترک دو سه قدم عقب رفت تا ویدیوی مرا در کیسه بگذارد، دیدم که توی نافش هم دو سه تا حلقه طلا و جواهر کوئیده که حسایی برق می زند!

به خانم مشتری که در صف بغلی بود نگاه کردم و از ترسم دیگر کلمه اوف و یا آخ از دهانم در نیامد. کمی بعد، وقتی که داشتم به خانه برمی گشتم، موقع رانندگی نتوانستم منظوره این دخترک پر از میخ و سیخ و سوزن را از مغز خارج کنم. همان طور که هنوز نصفی از موهای



می کرد. و حالا این روشنفکر چپکی، دولت رفسنجانی را آباد می کند. برای او پوستر به دیوارها می چسباند. امیدوارم از بی حواسی پوستر آقا را به دیوار خانهی مختاری نجیباندا!

دولت آبادی را فراموش کنم به هنگامی که در جمع مشورتی کانون در خانهی چهل تن عریبه می کشید: "سعیدی سیرجانی رفیق گرمابه و گلستان رفسنجانی ست، کانون نباید از او دفاع کند."

گلشیری عزیزم آن شب چه جانی کند که به او بگوید هرچه هست نویسنده است، تو هم بزرگ مایی، بیا خودت یک متن در شأن کانون بنویس.

هفتاد نفر آن متن را امضا کردند، اما به دنبال انتشارش عده ای از ما رفتم زیر بازجویی.

بازجویی من مرا رو به دیوار در سه کنج خرد می کرد. سایه ی سعید امامی را من آنجا زیارت کردم که گفت: "قبل از اینکه پرونده ات بیفتد دست آدم های غیر فرهنگی برو و امضا را پس بگیر."

گفتم: "من تنها این متن را امضا نکرده ام، هفتاد نفریم." او گفت: "ولی تو کرمکی هستی. این متن از آستین خودت در آمده."

گفتم: "نه. همه ما آن را نوشته و امضا کرده ایم. یک تصمیم جمعی ست." او گفت: "به من نگو بونی لهات می کنم. رو راست باش!"

بعد ضبط صوت را روشن کرد، صدای محمود دولت آبادی را شناختم که می گفت: "ما نمی خواستیم راجع به سیرجانی چیزی بنویسیم. معروفی و زراعتی ما را به این دام انداختند."

نفر دیگری از پشت سرم گفت: "حاج آقا اینها همه شان دروغ می گویند. بگذراید خودمان کار را یکسره کنیم." و با لگد چنان به صدلی ام زد که اسمم را از یاد بردم، و دلیل حضورم را در این جهان نمی فهمیدم. آن بازجویی در سه کنج دیوار ساعت ها طول کشید، از ده صبح تا هفت شب. و من خیس عرق توی دلم گفتم: "تفا!"

هیچوقت نتوانستم چهره ی محمود دولت آبادی را فراموش کنم به هنگامی که در جمع مشورتی کانون (نویسندگان) در خانه ی خودش می خواست مرا محاکمه کند به جرم این که ما در گردون نوشتیم: "چرا چراغ کانون نویسندگان روشن

اصلاحات، جالب است. عمادالدین باقی در گفتگو با "شرق" در پاسخ به این پرسش که: آیا شما منطقی مدافعان تحریم انتخابات را می پسندید؟ گفت: "به نظر من تحریمی ها هم باید به هاشمی رای بدهند، چون..."

باید؟! چقدر چرخش می کنند این اصلاح طلبان! تا دیروز اهریمن را چنان می زدند که ورم کند، و حالا در برابر این موجود بزرگ به سجده افتاده اند! قدم به قدم، خاکریز به خاکریز رفته اند، حالی که خوابالود عقب گرد داشته اند، و دشمن را بر شهر و خان و مان مستولی کرده اند. و حالا با چوب حراج افتاده اند به جان هنرمندان.

در کامنتی برای زیتون نوشتیم: حدود ساعت هفت (به وقت آلمان) شنیدم که احمدی نژاد (قاتل دکتر سامی) با بسیج میلیونی تمامی رای ها را دارد از آن خود می کند، و کف گرگی دارد می رود که رییس جمهور شود. و شنیدم که غیرت همه ی خانه نشینان امروز را به جوش آورده اند و گفته اند بروید یوز این بدترکیب را بزنید!

چقدر هم داور نوی بیچاره زحمت کشید، حیوونکی دلش گرفته بود توی این غروب غم انگیز جمعه. گفت: کاش از خانه بروی بیرون رأی بدهی... یک لقمه غذا را گوشت شان کرد. لبخند زدم، و رفتم توی فکر. دیدی چه جور احمدی نژاد را مطرح کردند، مثل بیوی باهاش بازی کردند، مثل جاسوچی او را سرانگشت چرخاندند، و با همین جاسوچی جمعیت را کشیدند توی قوطی؟ بعد هم گفتند زدم توی دهن آمریکا، و بعد گفتند انتخابات فرارندوم تأیید حکومت بود، و بعد گفتند خودتان انتخاب کردید!

عجب مغزهای متفکری! عجب تئوریسین های! هنریان ما مارگیر شدند، و رجال سیاسی ایران رأی گیر! واقعاً اگر کسی فکر می کند که این اتفاقات همینجوری افتاده و کشتی بوده ابله است. باور کنید فکر پشت این تئوری خوابیده که جامعه "اره به گون" بماند که نه راه پس داشته باشد، نه راه پیش.

در زمان ریاست جمهوری همین هاشمی بود که دوست و همکارمان، احمد میرعلایی و سعیدی سیرجانی را به شکل توهین آمیزی کشتند، و در ادامه ی همین شاعر کشی، محمد مختاری و پوینده را با طناب خفه کردند، و حالا تئوریسین های اصلاح طلبان کاری کرده اند که دوست و همکار دیگر، محمود دولت آبادی از عاینجاب سرخ پوشی حمایت می کند، در سرزمین جادویی ما اهریمن یکباره اهورا می شود، "جانی" در هوکشیدنی "مانی" می شود. عجب اصلاح طلبانی!

نویسنده پوستر چسبان! هیچوقت نتوانستم نوشته ی آیدین آغداشلو، نقاش شیک و روشنفکر را فراموش کنم به هنگامی که نوشته بود: کاش عباس معروفی فرار نمی کرد و می ماند. من حاضر بودم به جایش شلاق بخورم و بروم

# با این افتضاح بزرگ در ایران

## تسلیم طلبان!

هنگامی که کاندیدای اصلاح طلبان رد صلاحیت شد، این آمادگی در سطح ایران و جهان وجود داشت که انتخابات را در عرصه ی ملی و بین المللی بی اعتبار اعلام کند و مبارزه ی خود را برای برگزاری یک انتخابات آزاد و یا فراندوم گسترش دهد. می شد رژیم را در عرصه ملی و بین المللی تحت فشار گذاشت، اما اصلاح طلبان به طمع یک چیز یادآورده مثل دوم خرداد به بازی کشی وارد



شدند که سواد اولش حکم حکومتی بود. هر چند گفتیم و نوشتیم و التماس کردیم.

آن ها می خواستند تلافی مجلس هفتم را در بیاورند، حالی که هاشمی هشت سال درد کشید، تنها ماند، چراغ خاموش رفت، و از اینکه فرصت ندادند حتی سینه خیز به مجلس وارد شود، روی تئوری پوزرئی کار کرد.

اصلاح طلبان به این انتخابات مشروعیت دادند، به نظام مشروعیت دادند، به هاشمی رفسنجانی مشروعیت دادند، و همه ی تلاش خود را وقف جنگیدن با "تحریمیان" کردند. یادشان رفت که بسیج چه

بلغوری از زیر جامعه می کشد. صبح که از خواب پا شدند دیدند پیش از تحریم، نظامیان صندوق ها را پر کرده اند.

حالا اصلاح طلبان با کمک دولت آبادی و بهنود و نبوی و میز و فولادوند و سپانلو و مهاجرانی و خانمی و ابطجی و آغداشلو و شکیبایی و هدیه تهرانی و خیلی های دیگر از مردم خواسته اند برای جلوگیری از خطر فاشیسم مذهبی نام مردی "بزرگ" را در "یک برگ رأی، سهم من از دموکراسی" بنویسند که خود او نماد ثرور و زرذی و حرامی است. اصلاح طلبان خود را فروخته تا بمانند. آنها جامعه را هشت سال فریب دادند تا به شانزده سال قبل برگردانند. آنها مردم را به نظام مفت فروختند.

با این سیل حمایتی می توان دریافت که رفسنجانی آقدر هم که می گویند جنایتکار نیست. پرسش این است: چرا مرام نداشتند؟ چرا نگفتند که زیر حکم حکومتی نمی روند؟ چرا جبهه ی دموکراسی را تقویت نکردند؟ چرا برای خودشان اعتبار نساختند؟ چرا روشنفکران و

**دکتر اسفندیار اسفندیاری فرد**  
 دارای بورس تخصصی در بیماری های داخلی از آمریکا  
 مطب مجهز به پیشرفته ترین تجهیزات برای تشخیص بیماریهای قلبی، بیماری های ریوی، اوتترا سوند و فیزیوتراپی  
 انسینو - ساختمان ایرانیان پاپارکینگ رایگان  
 16661 Ventura Blvd # 515 Encino, Ca 91436  
 Tel : (818) - 990 4030

**هاتون مارکت**  
 اولین و بزرگترین فروشگاه ایرانی در جنوب لس آنجلس  
 (310)373 4448  
 24202 Hawthome Blvd, Torrance, Ca 90505

**سوپر شایان**  
 به واقع بازار تهران را برای شما تداعی میکند  
 ۳۱۰-۳۷۵-۵۵۹۷

**LASER EYE CENTER**  
 Voted #1 4 years in a row fas Best Lasik Center  
 www.lasereyecenter.com  
 0% Financing Available\*  
 800-80-LASER 800-805-2737 AE  
 Custom Cornea/Wavefront Technology  
**LASIK** starting at \$499 per eye \*restrictions apply

**مصطفی**  
 آلبوم جدید مصطفی "پیام عشق" بخشی از ام زی ام رکورد  
 ۱۱۵۹-۷۰۰-۸۱۸

**در دفتر ایام**

تکرار حوادث تاریخی در مسیر زندگی طولانی ملت ایران می شود اینست که اکثر «اتوکرات» های تاریخ ما به دلیل حضور چابکوسان و دغلبازانی که اطراف آنها را می گیرند، به تدریج دوراندیشی خود را از دست می دهند و تبدیل به دیکتاتور می شوند. در واقع نه فقط در ایران که در همه جای دنیا میان «اتوکرات» و دیکتاتور خط موئی فاصله است. دقیقاً مانند نوابخ روزگار که خط موئی نوع آنها را از جنون جدا می سازد...

گفتن و آوردن این مقدمه برای شناخت دقیق تحلیلی که خدمتستان ارائه می دهد ضرورت کامل داشت. رفسنجانی و خامنه ای، با هم مواضع قدرت را تسخیر کردند. در واقع اگر رفسنجانی زیرک و آگاه و مکار نبود، نمی شد حدسی زد، خامنه ای در سلسله مراتب مافیای آخوندی کجا قرار دارد؟! کما اینکه اگر «منتظری» جانشین خمینی می شد، معلوم نبود رفسنجانی بتواند و قادر باشد در صف میلیاردهای جهان قرار گیرد!

نکته ای که در این جا نامعلوم و گنگ است اینست که «خامنه ای» از روی مکاری بود که خود را به سادگی لوحی می زد و خود را بی اعتنا به جاه و مقام و ثروت نشان می داد تا اطرافیان را بفریبد و یا واقفا از ابتدا آنگونه بود و بعد که طمع و مزه قدرت را چشید، به جنون قدرت مبتلا شد و تصمیم گرفت تنها فرمانده کشور شود...

در تمام طول ۱۶ سال گذشته که خمینی در صحنه بود، می شد، دورا دور، جدال پنهان و بسیار نهفته را میان دو مرکز قدرت اصلی، یعنی خامنه ای رهبر و رفسنجانی رئیس مجلس و دو دوره رئیس جمهور و بعد رئیس تشخصه مصلحت نظام، نه فقط مشاهده که احساس کرد. همین بوجود آمدن «شورای تشخیص مصلحت نظام» چون نیک بنگرید، مقامی است در ردیف رهبر! یعنی یا شخص رهبر مصلحت نظام را تعیین و ابلاغ می کند و یا رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام!

هر کدام از این دو آخوند، نوکیسه، تازه به قدرت رسیده، برای خود دستگاه های گوناگون امنیتی، نظامی و جاسوسی به موازات دستگاه های مملکتی ایجاد کرده بودند و هر کدام برای خود «حوزه های نفوذ» تشکیل داده بودند. مردم هوشیار داخل می توانستند آنهاجا که این دو نفر، در حوزه های نفوذ یکدیگر، ناکزیر با هم روبرو می شدند و برای هم در اصطلاح جاهلانه «شاخ و شانه» می کشند، به بینند و احساس کنند.

جریان انصاف ریاست جمهوری که پیش آمد، ابهامی سنگین بر اذهان عمومی داخل و خارج کشور سایه انداخت:

- آیا خامنه ای و رفسنجانی مانند ۱۶ سال گذشته با هم ساخت و پاخت کرده اند؟! و یا نه... این آخرین نبرد و آخرین رویارویی آنها خواهد بود!

این فکر، بیشتر از اصل مسئله

انتخابات افکار عمومی را به خود مشمول داشته بود چرا که همه مردم می دانستند اگر خامنه ای و رفسنجانی، همچنان چون گذشته پشت به پشت هم داشته باشند، هیچ تفاوتی نمی کند که «متروستی» که نام رئیس جمهور دارد کیست؟! در هشت دوره گذشته آنها انواع رؤسای جمهور را آزمایش کرده بودند از «سوسول اسلامی» مانند بنی صدر که سرانجام سیبل تراشید و با چادر زنانه از ایران گریخت که در اصطلاح فرهنگ عام سیبل تراشیدن و چادر سر کردن بار سنگینی به سختی لفظ مستهجن «روسی» و «فن فروش» دارد. اما «سوسول اسلامی» این حقاقت را برای نجات جانی که می گفت آماده است در راه مردم فدا کند، پذیرفت!

مردم رئیس جمهور چپ و سوسیال را هم دیدند که «اقتصاد زمان جنگ» را چنان عالی اداره کرد که آقایان رفسنجانی و کروبی و بسیاری دیگر می یارند شدند و بخش «بازاری ها» از خانه های «زیر بازارچه» و اطراف «سید نصرالدین» و «چهارراه مولوی و میدان تره بار» و ... به نیاروان و جماران و درند و تخریش و دزدان شب کوچیدند و برای اولین بار در تاریخ معماری ایران، خانه هایی چند میلیارد تومانی، یعنی گران تر از قصرهای سلطنتی بوجود آمد!

مردم ایران سپس هشت سال با پوست و گوشتشان «رئیس جمهور اصلاحات» را آزمایش کردند که در پایان کارش صراحتاً اعلام کرد «من برای حفظ نظام آمده بودم، چطور عده ائی انتظار داشتند من برخلاف مصالح نظام عمل کنم...»

این همه و خلاصه این ۱۶ سال، با اکتاف و بر زد و بند «خامنه ای» و «رفسنجانی» و «رابطین» شناخته شده و ناشناخته آنها، با «دولت فقیهه»، امکان پذیر شده بود!

این حرف و یا ضرب المثل عمومی را هم شنیده اید که «تا نباشد چیزی، مردم نگویند چیزها...» افکار عمومی در داخل کشور بر این «تصور» و یا «واقعیت» قرار دارد که ایران ما یکسره در دست انگلیس هاست...! با این ترتیب چه شد که در ارکان چنین حکومتی، چنین تزلزل و شکافی بوجود آمد؟! چه شد که «رهبر» ناگهان تصمیم گرفت «یار» و «همدست» و «حامی اولی» خود را کنار بگذارد؟! «انقلاب اسلامی» اولین انقلاب واپس گرای جهان بود و اینک به نظر می رسد که اولین انقلابی هم هست که تصمیم دارد بعد از خوردن فرزندان خود، اینک «پدران» خود را نیز به بلعد!

اینک که تمام قدرت در دست رهبر متمرکز شده است، آینده ایران چه خواهد شد؟! و اصلا چه شد و چه پیش آمد که رهبر نواست با یک «معاذله» نامعلوم، هم «قم» را مات کند، هم «سران فقیه» را سلب اختیار کند و هم شریک قدیمی را کنار بگذرد؟! رهبر چگونه دریافت که قدرت در قم نیست، در «فقیه» نیست، در دست شریکش هم نیست. در دست

کسانی است که خیابان ها را در دست دارند، یعنی همان کاری که هیتلر «سیاه جامگان» به خیابان ها انجام داد. این اختاپوسی هشت پا که بر هر پایش صدها «مکنده» قاتل وجود دارد، باید یک به یک مورد بررسی قرار گیرد، آنهم بدون تعصب و خشم که ما را از شناخت واقعیات دور می سازد، بلکه آنگونه که معمول است، باید همه جوانب قدرت دشمن را به درستی ارزیابی کرد و همه نقاط ضعف خود را هم دید و آنگاه وارد میدان عمل شد. پس اجازه بدهید از فردا جواب این اتفاقاتی که دنیا را شگفت زده کرد اما جز تکرار تاریخ چیز دیگری نیست، مورد بررسی قرار دهیم.

**حرف های روز**

آخر هفته، در کشورمان گذشته است و با این که هر کدام به جای خود اهمیت فراوان دارد ولی بیشتر از همه جنبه عبرت انگیز آن و سرنوشت حجت الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی و مروزی بر زندگی او و بخصوص آخرین مرحله آن کاندید شدنش برای ریاست جمهوری است. این که می گویند ممکن است به بلاهای دیگری هم دچار شود، بعید نیست. تا همین جای قضایا، مرگ سیاسی او هم قابل تامل است و احتمال اعتراضات تلویزیونی از گناهکار بی آبرویی مثل شیخ اکبر، یک مظلوم می سازد! گرچه دل مردم را هم خنک می کند. البته تاکید کنیم که تا همین جا هم «تحریم انتخابات» از سوی مردم بود که داغ بار سوم ریاست جمهوری را به دل اکبر مصلحت گذاشت.

هم چنین پیش از کلک زدن و فریب سید علی خامنه ای این غرور و طمع و چشم بستن به واقعیات بود که هاشمی رفسنجانی را به یک معلول سیاسی دچار کرد. او در این اواخر چندین بار از دوستی خود با رهبر، بسیار مغرورانه گفت، از این که در مورد همه چیز «رهبر معظم» با او مشورت می کند و روزهای سه شنبه با هم دیدار اختصاصی دارند و آن یکی شیره اش را می کشد و این یکی پالوده اش را می خورد!

ارکان نهاد رهبری روزنامه جمهوری اسلامی با عنوان بخشیدن لقب «آیت الله» به هاشمی رفسنجانی او را تنها شانس برای ریاست جمهوری خواند و چند بار در هفته گذشته و جلوتر تاکید کرد که اقبال عمومی با اوست ولی دیدیم که آن لطیفه معروف: «با همه آره، با ما هم آره!» یک بار دیگر تکرار شد و خامنه ای خودش را از «شر» رفسنجانی (تا اینجا کار) راحت کرد. حالا خودش چه آینده ای و سرنوشتی خواهد داشت، خدا دانااست!

در واقع هاشمی رفسنجانی با پای

خودش در دام افتاد. با این که چندین و چند بار همه جوانب کار را چید و همه جا را پایید و احتمال قول خامنه ای را صادر کرد و مردانه! دید که گفته بود: برو دارم! ولی حس جاه طلبی، انگیزه ریاست، طمع به این که باز هم از آن چه زور و پول دارد، بیشتر به دست بیاورد، شیخ رسوا را، بدجوری به تله انداخت آن هم در نهایت تحقیر و توهین در مقابل سرسپوری که رهبر معظم تیوی حیاط خلوت خود پنهانش کرده بود.

گرچه گفته می شود (که ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، برای مردم و مملکت مصیبتی خواهد بود) ولی تحریم یک پارچه انتخابات از سوی مردم، خیلی مهم تر از انتخاب شهردار تهران و مرگ سیاسی رفسنجانی بود. و پیشاپیش حساب و کتاب خود را برای جلب نظر آمریکا و اروپا، راست و ریست کرده بود که لااقل ۴ سال تکیه زدن بر قدرت را دم دست خود می دید ولی پیش از نارو زدن علی خامنه ای و تشکیل حکومت اسلامی، رفسنجانی چوب تحریم مردم را خورد گرچه با خود دوم خردادی ها، نظریه پردازان دانشگاهی و ریست ها، روشنفکران بدلی را هم (که به یاری وی شتافته بودند) آبرو باخته، غرق کرد و همگی سکه یک پول شدند.

با این همه، خامنه ای و مبارشای او خیال می کنند که قدرت را به تمامی قبضه کرده اند و آقا (رف قد و قواره هارون الرشید) خلیفه و امیرالمؤمنین مسلمانان جهان خواهد شد و این سرسیور بلدیه تهران هم باد توی آستین خودش انداخته و به او قول داده یک حکومت مقتدر اسلامی در جهان برپا خواهد کرد!

یکی از امتیازهای «تحریم انتخابات» این بود که درزهای حکومت را گشادتر و میدل به ترک های آشکار کرد و خامنه ای به راحتی نمی تواند خواب هایی را که دیده است به خیر و خوشی تعبیر کند و به همان آسانی که بساط اکبر مصلحت را به هم ریخت، به سایر طمع های دیگرش هم برسد. خیلی ها که در مواضع قدرت بودند و «مچل» شدند اما ساکت نخواهند نشست. به باقی آتش تیز، پرتو شود، پلنگ از زدن کینه ورتو شود.

علاوه بر آن کسانی هم که خامنه ای را در این زور آزمایی و قدرت نمایی یاری دادند، خود می توانند یک پا مدعی باشند و همان بلایی را سر او بیاورند که طمع و جاه طلبی رفسنجانی کار دستش داد.

به همین جهت، به جای هرگونه تعبیر و تفسیر سیاسی از جریانات، این بنده ترجیح داد که جنبه عبرت انگیز قضایا را، بیشتر یادآور شود با تاکید دیگری بر حضرت اجل سعدی که در سیرت پادشاهان (اولین باب گلستان) بسیار از این مقوله یاد کرده است. از جمله که می گوید: یکی از ملوک خراسان، محمود سبکتکین (سلطان محمود غزنوی) را به خواب دید که جمله وجود او ریخته بود و خاک شده، مگر چشمان او همچنان در چشم خانه، همی گردید و نظر می کرد. سایر حکما از تاولین این فرو ماندند مگر درویشی که به جای آورد و گفت هنوز نگران ست که ملکش باد گران است.

بسی نامور به زیرزمین دفن کرده اند کز هشتیث به روی زمین بر، نشان نماند وان پیر لاشه را که سپردند زیر گل خاکش چنان بخورد کزو استخوان نماند زنده است نام فرخ نوشین روان به خیر گرچه بسی گذشت که نوشین روان نماند خیری کن ای فلان و غنیمت شمار عمر زان بیشتر که بانگ برآید، فلان نماند

**توضیح و تصحیح**

روزجمعه مطلبی داشتیم پیرامون شکایت دوشرکت تولیدی پخش نوار خوانندگان ایرانی درس آنجلس از تلویزیون ایران که منجر به پرداخت دوقدره غرامت ۵۰۰هزاردلاری به شرکت کلنکس و ۲۰۰هزاردلاره به شرکت ترانه گردید.

آقای وارطان آوانسیان یکی از دوشرکت ترانه باتلن به دفترعصرامروز توضیح دادکه اولاتوافقی که ما با آقای شخبیزداشتیم و اینکه باجه شرایطی به عصارامروز لازم به توضیح است که شرکت ترانه از تلویزیون ایران حتی یک پنی دریافت نکرده و اگر بده و بستانی درکار بوده، و درحیول وکیلی بوده که پرونده مارادردگاه مطرح ساخته مبلغ آن نیزمتراتب بسیار کمتر از آنچه است که عنوان گردیده است.

وارطان گفت که از روز نخست قصدمان باشخبیز مصالحه بودو ازاینکه پرونده به مسیریگیری رفت متاسفم.

درج این توضیح را بدین خاطر ضروری دیدیم که اولای پای بندی خودمان رابه اصول روزنامه نگاری نشان داده باشیم و دوماتفاضای دوست خوبمان آقای «وارطان» را که بر ایمنان ارزش بسیار زیادی دارد اجابت کرده باشیم، ضمن آنکه به آقای شخبیز نیز گوشه کنیم که آدم حسابی، درج خبری که اتفاق افتاده و مبلغ آن ممکن است کم و زیاد شده باشد دشمنی نیست که وی یک ساعت وقت گرانقیمت تلویزیون خودرا که میتوانست به آگهی های رنگ و وارنگ دویی و لس آنجلس اختصاصی یابد و جبران خساراتی را بکند که حال خرابی زیادی برایش آورده است، اختصاصی به پرت و پلا گویی به عصارامروز، و فحاشی و بدو بیراه گویی به ناشرین روزنامه بدهد ما چه دشمنی خاصی میتوانیم باشخص شخبیز و دیگرانی که مثل ایشان فکر میکنند داشته باشیم که اگر اخلاقی هست مربوط به راه و روش کاری و عقیدتی است که آن محبت دیگری است که ارتباطی به انعکاس خبر پرداخت خسارت ایشان به مدعیان دعوا با ایشان ندارد.

در طول ۱۷ سال انتشارعصرامروز همیشه سعی کرده ایم که بعنوان یک عضو کوچک جامعه مطبوعات، منتکس کننده حوادث و رویدادهای باشیم که در جامعه به کوچ رانده شده ایرانی درس آنجلس اتفاق می افتد که در نهایت میتوان حق را ازطبل تشخیص دادو مسایل رابه مجاری درست هدایت کرد، همانگونه که درگیری آقای شخبیز با محسن نادری نژاد و تنک کاری ایندوین را در زمان خود به واقفیت منتکس کردیم و آقای شخبیز خیرمارا اسند کردو به نفع خود برای محکومیت نادری نژاد در دادگاه از آن بهره گرفت.

دنیای غربی است مرگ خوبست ولی برای همسایه

**جک کیلیبی پیشگام عصر ریز تراشه ها در گذشت**



این اختراع باعث شد تگزاس اینسترومنتس قرارداد تامین تراشه راکت موسوم به «مینتمن» (Minuteman) را دریافت کند. آقای کیلیبی در سال ۱۹۸۳ از این شرکت بازنشسته شد با این حال او همچنان مشاور و باقی ماند و مجتمع پژوهشی این شرکت نام او را بر خود دارد.

**قطار ژاپنی ها گوش دارد**



ژاپن شروع به آزمایش تازه ترین و شیک ترین مدل قطار گلوله آسای شینکانسن کرده است که برای توقف اضطراری ترمزهای هواپی به شکل گوش دارد.

این قطار می تواند با سرعت ۳۶۰ کیلومتر در ساعت حرکت کند، ولی قادر است حتی به سرعتی بیشتر از این دست یابد. حداکثر سرعت آن به ۴۰۵ کیلومتر می رسد.

ترمزهای آن که به صورت باله ای هلالی شکل روی سقف تعبیه شده، برای ترمزهای سریع در موارد اضطراری مانند زلزله طراحی شده عمل پوشاند.

وی بلافاصله پس از فارغ التحصیلی به شرکت تگزاس اینسترومنتس پیوست و در حالی که همکارانش در مرخصی تابستانی به سر می بردند او به تنهایی در آزمایشگاه به اختراع مهمش دست یافت.

مسابقه فضایی کیلیبی و شرکت تگزاس اینسترومنتس نخستین دریافت کننده پروانه انحصاری تولید ترانزیستور جدید بودند اما باب نویس (Noyce)، رقیب کیلیبی، عموماً به عنوان کسی که امکان تولید انبوه آن را فراهم کرد شناخته می شود.

آقای نویس بعداً به همراهی گوردون مور شرکت اینتل را بنا نهاد.

نخستین مدار مجتمعی که جک کیلیبی ساخت به اندازه نصف گیره کاغذ بود. فن آوری های جدید امکان گنجاندن تقریباً ۱۰۰ میلیون ترانزیستور در همین میزان حجم را فراهم آورده است.

انگیزه ساخت مدار مجتمع تا حدودی از مسابقه فضایی آمریکا با اتحاد جماهیر شوروی نشات می گرفت.

دهند.

**کامربال تراول تقدیم می کند**

**سفر تفریحی و کنفرانس های آموزشی به Eastern Caribbean با همکری دکتر فرهنگ هالائویی**

**هفت روز در گشتی جدید Glory بروی آبهای اقیانوس**

توقف در سه بندر معروف (St. Thomas, St. Maarten, Nassau), شرکت در ۵ کنفرانس علمی و آموزشی دکتر فرهنگ هالائویی یک همایی همراه با گشت به میراثی کامربال براون بر نامه رقص و موسیقی خاص فیلم های پرانی در جدول سفر

در کابین Oranienburg بطور ویژه ۴۵ جویز ساعت ۴ بعد از ظهر و بارگشت صبح روز شنبه ۲ جولای ۲۰۰۵ در ۵ دلار ۱۹۰۰ دلار سه های سفر، مانت، تقاضا، پذیرش های شخصی دیگری است.

**GET READY TO SAIL ON THE 7 DAYS CARNIVAL CRUISE TO EASTERN CARIBBEAN FROM ORLANDO ON JUNE 23 THROUGH JULY 2TH**

**Carnival**  
The Fun Factor™ Only at Sea™  
TEL: 1-800-800-1991  
www.friendlyagent.com

18345 VANOWEN ST., #A RESEDA, CA 91335 FAX 818-708-8120

### EXPERT AUTO BODY CENTER

## بعد از تصادف نگران نباشید!

متخصصین برجسته ما اتومبیل شما را مثل روز اول تحویلتان خواهند داد

### مزایای استثنایی مراجع به اتوبادی سنتر

در صورت داشتن بیمه کامل اتومبیل رایگان  
در اختیارتان میگذاریم ، اتومبیل شما مجاناً  
از محل تصادف به تعمیرگاه انتقال می‌یابد ،  
تخصیص مخصوص برای هموطنان عزیز

کارگاههای ما به اطاق رنگ با امکانات ویژه فنی و دستگاههای کامپیوتری برای شاسی کشی مجهز است

EXPERT AUTO BODY CENTRE  
Tel: (818) 786 - 8400  
Fax: (818) 786 - 5218  
14326 Oxnard St. Van Nuys CA91401

### مرکز خدمات گالکسی

امور مهاجرت ، اقامت ، سیتیزن شپ و پاسپورت سفید  
گذرنامه و شناسنامه ایرانی، وکالتنامه و وصیتنامه  
حقوقتنامه ، تصدیق امضا و شهادتنامه  
ترجمه رسمی و تأیید اسناد و مدارک

تلفن: ۰۰۹۹-۹۰۶-۹۱۸ (۸۱۸)  
فکس: ۵۹۵۴-۷۸۴-۸۱۸ (۸۱۸)

15928 Ventura Blvd, # 201-Encino, CA91436

### ماساژ

توسط زینای ایرانی  
مرسده  
(۸۱۸) ۳۴۵-۳۰۵۲

### تعلیم رانندگی

از ابتدا تا دریافت گواهینامه  
نوجوانان و بزرگسالان  
توسط مربی با تجربه  
"فیه"  
(۸۱۸) ۶۳۳-۸۳۸۰

### پرده مولی روز

زیباترین پرده‌ها با ارزانترین قیمت  
دوخت و نصب پرده، روتختی، کوسن  
و تعمیر انواع لباس  
818-633-4383

### شعبات شیرینی سرا در سی آنجلس

سفرات شمارا  
برای تهیه انواع شیرینیجات  
جهت جشنها، عروسی‌ها  
و... میپزیرد.

رسیده	آنسنیو	سانتامونیکا بلوار
(818)996-5104 6900 Reseda Blvd	(818) 757-1248 18000 Ventura Blvd	(310)207-7120 12231 Santa Monica Blvd

### کلمه‌های پنهان

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

### مغز پختن گوشت حلال ، مواد غذایی

مرکز پخش گوشت حلال ، مواد غذایی

2322 ARTESIA BLVD  
Redondo Beach, CA 90278  
(310) 376-0043

### Q Market

انواع غذاهای ایرانی خانگی، گوشت، مرغ موجود است

عرضه کننده تازه ترین مواد غذایی و خوراکی، گوشت، مرغ و ماهی با قیمت های باورنکردنی و غیر قابل رقابت

## "کیومارکت" درزیر یک سقف

### هر آنچه نیاز دارید گرد آورده است

انواع غذاهای آماده طبخ موجود است  
فوداستمپ و کردیت کارت پذیرفته میشود

17261 Vanowen St.  
(818)345-4251

### آرایشگاه

## علی

در ولی  
(۸۱۸) ۳۴۴-۲۴۰۰

### گروسری فروشی

یک گروسری در حال کار در منطقه  
گندل فروش میرسد  
5066-240-818  
37-42

### استخدام

یک شرکت تجاری در جنوب داون  
تاون لس آنجلس نیاز به یک  
فروشنده Customer Service  
دارد. آشنایی به کامپیوتر و زبان  
انگلیسی ضروری است. حقوق و  
کمیسون بر اساس سابقه کار پرداخت  
خواهد شد. داوطلبان لطفا مشخصات  
و سابقه کار خود را به شماره فکس  
۳۳۹-۲۷۷-۲۳۳۹ فکس نموده و یا  
به آدرس زیر ای میل نمایند.

36-41  
Job@PIAW.com

### استخدام

در یک مغازه شیشه و آینه  
سازی به یک همکار نیازمندیم  
818-247-2484

### استخدام

یک کمپانی وارد کننده مبلمان در منطقه  
ولی نیاز به یک بانوی منشی که تسلط  
کامل به زبان انگلیسی و انجام  
امور حسابداری (Book Keeping)  
داشته باشد، دارد  
(818)999-0026

### پذیرائی باغذای گرم

سانی دیگر از فرزندان دلبند شما سانس  
سالکی در شهر بونگتون بین المیک و ییکو  
باغذای گرم همه روزه نگهداری می کند  
(310)478-6264  
(310)927-8854

### مرکز بزرگسالان

ماتن ویو  
به سوشال ورکر استیسان و گسانی که  
مدیر کلسانس سوسایز و  
یاسا کالوزی دارند نیاز فوری دارد  
متقاضیان باید به زبانهای فارسی و  
انگلیسی آشنایی داشته باشند  
(818)999-9234

### رستوران حاتم

میشن ویهو  
(949)768 0122  
24000 Alicia Parkway, #28

### آرتریا مارکت

مرکز پخش گوشت حلال ، مواد غذایی

2322 ARTESIA BLVD  
Redondo Beach, CA 90278  
(310) 376-0043

### سویر ارواین

949-552 - 8844  
Heritage Square/ Behind Denny Rest  
14120 Culver Dr. Suite  
B.C.D Irvine CA 92714



## بوسه تقدیر

نوشته  
فریده شجاعی

دوست داشتنم گزشتی تلختر از برادر و با شهاب تماس بگیرم و بار دیگر صدایش را بشنوم اما می‌دانستم این کار به هیچ وجه در دست نیست. نفس عمیقی کشیدم و چشمم از تلخ برداشتم و از پلکان بالا رفتم.

تا موقعی که پردیس برای شام صیدایم نکرده بود روی تختم دراز کشیده بودم و با اینکه به کتاب درسی‌ام نگاه می‌کردم اما تمرکز می‌کردم برای درک مفاهیم آن نداشتیم.

پردیس در اتاق را باز کرد و گفت: «نگین بلند شو بریم شام بخوریم».

کتاب را روی میز بغل تختم گذاشتم و گفتم: «بیا و بیرون رفتن».

پردیس آبرویش را بالا انداخت و گفت: «نه بیا شام نگاهشون داشت».

از جایم بلند شدم و در درسی‌ام را سر کردم و پایین رفتم. پر پیچهر مشغول تپیدن میز شام بود. برای کسب کردن به او وارد آشپزخانه شدم. مادر که کنار گاز مشغول بود با دیدن من گفت: «نگین تو برای سلام کردن سه مهمانها به اتاق پذیرایی نرفتی؟»

سرم را تکان دادم و گفتم: «نه، چون وقتی با پردیس بیرون رفتم سر خیابان دیدمشون و سلام و احوالپرسی کردم».

مادر نگاهش به چشمم انداخت و گفت: «یعنی اگه آدم مهمور رو بیرون بیته دینگه نباید. یاد از شو پذیرایی کنه؟» مادر جون تو دینگه چیه نیستی، پس فردا که پر پیچهر و پردیس به سلامتی خونم بخت برن تو باید مسئولیت کار اونارو قبول کنی».

جوابی ندادم اما این حرف مادر مرا نگران کرد. پر پیچهر را می‌دیدم که مرتب و تمام وقت در آشپزخانه بود و مانند کلبانویی به تمام امور منزل وارد بود و نه تنها می‌توانست از پس تعداد زیادی مهمان برآید، پردیس هم خیلی کار می‌کرد یعنی تقریباً تمام مسئولیت شستشو و رفت و روت برای او بود و اگر آن دو از دواغ می‌کردند آنطور که مادر می‌گفت من می‌بایست مسئولیت کار آن دو را به عهده بگیرم. حتی فکر آن هم می‌توانست مرا ایستار کند.

مادر که دید خیلی به فکر فرو رفته‌ام گفت: «نگین، اگه از الان کمی احساس مسئولیت کنی دینگه نگران این نیستی که جفتور باید کار در خواهرت رو به عهده بگیر».

از اینکه مادر فکر مرا خوانده بود ترس نوب داشت، نمی‌دانم چطور بوده‌م هر فکری می‌کردم دیگران با راحتم می‌توانستند از آن باخبر شوند. چند بار دیگر این اتفاق افتاده بود. یک بار می‌خواستم سوآلی از پردیس بپرسم که دریم نمی‌شد آن را عنوان کنیم، قبل از اینکه حتی سوآلم را در عرض کنم پردیس گفت: «سرای مقدمه بکن».

تنها او نبود عینی‌های دیگر با نگاه کردن به چشمم توانسته بودند از فکرم باخبر شوند و این مرا که اکثر اوقات به شهاب فکر می‌کردم خیلی نگران می‌کرد. برای دعوت کردن پدر و نیما و بیروز به اتاق پذیرایی رفتم و از آنها خواستم که برای شام به سر میز بیایند.

نیما یا دیدن من لحنی زود به همان یک لیخند افتاد اما بیروز گفت: «چه عجب نگین خانم. داشتیم فکر می‌کردم دیدن ما برای شما اونقدر ناخوشایند که ترجیح می‌دی تو تا اناقت بونی».

به بیروز نگاه کردم و با خودم گفتم: دیدن نیما نه اما دیدن تو برای من خیلی ناخوشایند. و آنروز که می‌کاش این دفعه از اون دفعه‌هایی باشه که از نگاهم احساسم را درک کند. گفتم: «اینطور نیست، فردا امتحان دارم باید درسم را حاضر می‌کردم».

بیروز با حالت به خصوصی سرش را تکان داد و گفت: «بله مترجم».

احساس کردم که از گفتن این کلمه منظور نه خصوصی داشت و مثل این بود که می‌خواست به من بفهماند که می‌داند دروغ می‌گویم.

در تمام طول صرف شام بیروز گاهی با حالت به خصوصی به من خیره می‌شد و هر بار که سرم را بلند می‌کردم چشمش به او می‌انداخت مگر فکر چشم به من دوخته است این نگاه به قدری آشکار بود که پدر و مادر نیز متوجه شده بودند زیرا همان شب بعد از رفتن بیروز و نیما و زمانی که من و پدر به اتاقهایمان رفته بودیم و پردیس و پر پیچهر مشغول تمیز کردن آشپزخانه بودند پردیس شنیده بود

که مادرم به پدر می‌گفت که: «آقا شما متوجه نگاه بیروز به نگین شدید؟» و پدرم جواب داده بود: «بهنه، انشاءالله که خیره».

مادر با لحن هیجان‌انگیزه گفته بود: «وای خدا به دادمون برسه اگه این آخری هم بزه دینگه از چشم مردم در امان نیست».

پدر خنده‌ها بود و گفته بود که هر چی خدا بخواد.

از پردیس که با خنده این موضوع را برابرم ترف یک کرده بود پرسیدم: «آحسن زمانم و بازیاراحت نبود؟»

پردیس خندید و گفت: «نه بابا کجای کاری، اگه بیروز بخواد تو رو بگیره بابا یک شتر می‌کنه».

انحسب کردم و گفتم: «متلاکلی گفته که بیروز می‌خواهد بیاد من بگیره». تازه من از اون خوشم نیامد، عکس اون زنا رو تو آنیوشم دیدی».

پردیس خندید و گفت: «دیوونه همه مردان قبل از ازدواج یکی رو دارن که سرشون گرم کنه. حالا به آنیوشم از اون دیدی فکر کردی چه خبر، تازه این چیزا تو خارج عادی، تازه بیروز که خوبه با اون وضع خویش اگه سه چهار تا هم داشته باشه چیز مهمی نیست، همین نویه عمر رو ببین، یک نردبون بیشتر نیست، اما خودت که میگی نیشا عکس دوست دختر شو دیده که تو بغل هم عکس انداخته بودی».

از حرفهای پردیس که با خنده و شوخی ادا می‌شد خیلی حس صدم گرفته بود. با عصبانیت سرم را روی بالشت گذاشتم و پدر را رویم کشیدم و گفتم: «بابا همیشه حرفه، همون طوره که مراد دوست دارن دختر می‌رو که می‌خوان بگیرن پاک باشه، دختران هم همین توقع رو از مرد زده‌گیشون دارن، تو خودت اگه بدونی سروش با یکی قین از تو دوست بوده چه حاشی میشی».

پردیس با خنده از لبه تخت بلند شد و گفت: «همین سروش هم قبل از من داشت، مارال یادته نیست؟»

از جایم تپم خیز شدم و گفتم: «اون فرقی داره، سروش مارال رو نمی‌خواست عصب».

# مشرفه از لابلای مطبوعات

## عروس فراری

روز یازدهم اردیبهشت ماه سال جاری وقتی تازه داماد با غیبت طولانی همسرش رو به روش پرده از راز ازدواج یک دختر برداشته شد. بنا به این گزارش، ترانه با پسر جوانی طرح دوستی خیابانی ریخت و توانست با تسخیر عواطف این پسر در زندگی وی اثر بگذارد. این دختر وقتی پذیرفت با پسر مورد علاقه اش ازدواج کند شناسنامه اش را در اختیار خانواده وی قرار داد و پای سفره عقد نشست. ترانه چند روزی از زندگی اش با تازه داماد نگذشته بود که از مادرشوهرش خواست تا سوتیج خودروی مزدایش را به او بدهد تا برای انجام کاری از خانه خارج شود. او وقتی ترانه خانه مادر شوهر را ترک کرد دیگر کسی او را ندید تا اینکه تازه داماد برای جست و جوی همسر فراری اش به پلیس مراجعه کرد و زمانی که قرار بود مشخصات ترانه و خودروی مزدا را در اختیار تحقیقات قرار دهد، بی برد شناسنامه عروس جعلی است و ترانه هم اسم واقعی نوعروس نیست.

## دستگیری هزار زن

سرهنگ عظیم حسینی مدیر کل مبارزه با مفاسد اجتماعی نیروی انتظامی از دستگیری یک هزار زن در تابستان سال گذشته در سطح تهران بزرگ خبر داد و افزود: این عده به دلیل پوشش نامناسب با هماهنگی دستگاه قضایی دستگیر شدند که مطابق قانون با آنها برخورد شد. وی با بیان این که نیروی انتظامی برخورد با افرادی که پوشش مناسب دارند را طی چند مرحله در دستور کار دارد، توضیح داد:

در مرحله اول تنها به دادن تذکر به این عده اکتفا می کنیم اما چنانچه آنها مقررات را نادیده بگیرند، اقدام به دستگیری آنها کرده و به مراجع قضایی ذریعط معرفی و تحویل داده می شود. همچنین در مرحله بعدی با اطلاع به خانواده هایشان و حتی در جریان قرار دادن برخی سازمان های مرتبط با این گونه افراد برخورد مقتضی را انجام می دهیم.

## زن بابای سنگدل

معلم کلاس اول ابتدایی پسر ۷ ساله دانش آموز با دیدن زخم ها و وضعیت نامناسب پوشش دانش آموزش از او درباره این ماجرا پرسید ولی علی از ترس حاضر به بیان حقایق نشد. وقتی این پسرپچه به خاطر رفع گرسنگی اش اقدام به سرقت از چند مغازه اغذیه فروشی نزدیک مدرسه کرد، معلم او برای صحبت در این باره به خانه شان رفت. معلم جوان با دیدن وضعیت اسفبار علی و خواهرش مرجان موضوع را با مسئول مربوطه در میان گذاشت. براساس تحقیقات انجام شده پس از ترک خانه از سوی مادر واقعی دو کودک خردسال، پدر آنها با زن ۲۷ ساله ای ازدواج کرده بود و از آن زمان گاهی ساعت ها دو خواهر و برادر خردسال را در حمام و توالت زندانی می کرد. پدر دربار این حادثه می گوید: زخم حق دارد بچه ها اذیت می کنند، خانه را آلوده می کنند. تازه همسر من بابا است. از او که نباید توقع داشت با بچه های یکی دیگر مهربان باشد. هم اکنون به دستور قاضی رسیدگی به پرونده دختر ۳/۵ ساله خانواده برای نگهداری به مادر اصلی اش سپرده شده و تلاش ها برای انجاش پسر ۷ ساله نیز آغاز شده است.

## با انتخاباتی تقلبی، آلوده، تحریم شده رئیس جمهوری تایید شده رهبر منصوب شد

در حالی که دور اول انتخابات یکلی مشکوک بود و با اعتراض ۵ کاندیدای دیگر روبرو شد و آنرا تقلبی و آلوده خواندند در دور دوم نیز با میلیون ها رای که به نام محمود احمدی نژاد ریخته شد و با تقلب و صندوق سازی و بالا بردن تعداد آرای ریخته شده فرد مورد نظر رهبر رژیم به پست ریاست جمهوری منصوب شد محمود احمدی نژاد، رییس جمهور برگزیده خامنه ای، روز یکشنبه ۲۶ ژوئن (پنج تیر ماه) نخستین مصاحبه مطبوعاتی خود، برنامه های کاری خود در زمینه های داخلی و خارجی را تشریح کرد.

وی در این مصاحبه بر ادامه مذاکرات اتمی با اروپا تاکید کرد اما گفت ایران به هیچ عنوان حاضر نیست از تکنولوژی هسته ای چشم پوشی کند.

وی افزود: اگر رویکرد منطقی بر اساس اعتمادسازی متقابل باشد و طرف اروپایی تعهدات مسلم خود را انجام بدهد، شاهد اعتمادسازی خواهیم بود.

وی که دولت خود را دولت ۷۰ میلونی نامید گفت در سیاست خارجی دولت میلپونی اصول عدالت، صلح، همبستگی و توسعه روابط عادلانه متقابل و همه جانبه حاکم خواهد بود.

محمود احمدی نژاد افزود: در سیاست خارجی ما صرفا به توسعه سیاسی توجه نمی شود، بلکه توسعه روابط فرهنگی و اقتصادی نیز جایگاه خودش را دارد.

وی در مورد روابط با آمریکا گفت: سیاست خارجی ما نسبت به آمریکا بارها اعلام شده است و ملت ما امروز با یک خودباوری مسیر تعالی و پیشرفت را طی می کند و در این راه نیاز قابل توجهی به آمریکا ندارد.

وی در مورد غیر دمکراتیک خوانده شدن انتخابات ایران از سوی مقام های آمریکایی نیز گفت: حق هرکسی است که اظهار نظر کند. اما اینکه این اظهار نظر واقعیت دارد یا نه، باید گفت که روزانه هزاران

## صنایع نفتی فرسوده ایران تنها به یاری فن آوری آمریکا از بین می رود

گزارش رادیوفردا: محمود احمدی نژاد از آغاز نامزدی خود برای احراز مقام ریاست جمهوری اسلامی تا زمان گزیده شدن به این مقام، بدون حتی یک بار اشاره به مسئله حقوق بشر و آزادی عقیده و بیان در ایران، کوشید تا فساد اقتصادی را به عنوان عامل اصلی دشواری های اصلی مردم ایران قلمداد کند.

احمدی نژاد وعده های خود را در باره پیکار با فساد اقتصادی در بخش صنایع نفت و گاز ایران متمرکز کرده است. وی می گوید یک خانواده و یک دار و دسته سیاسی به خداوندگاران نفت و گاز ایران بدل شده اند.

رئیس جمهوری اسلامی آنگاه تهدید کرد که دست این خانواده و دارودسته ای که از آنها با نام مافیای نفتی یاد می کند، یک بار برای همیشه قطع کند. وی که نام این خانواده یا مافیای نفتی را بر زبان نیاورد محمود احمدی نژاد می گوید فضا و جو حاکم بر تولید و فروش در صنایع نفتی ایران باید شفاف شود. که چنین شفافیتی بی گمان به اقتصادی شدن ذخائر نفتی ایران منجر خواهد شد.

## اکبر هاشمی پس از شکست در انتخابات می خواهد حزب بسازد

نخستین در این انتخابات مجرم مشخص بود، جرم آشکار بود و اگر کسی می خواست انتخابات سالم برگزار شود باید جلوی این مسائل را می گرفت، این تعلقها ریشه ای بود، با تخلف کوچکی که سر صندوق رخ می دهد بسیار تفاوت داشت، زینده یک جامعه مسلمان و انقلابی نیست. هاشمی با انتقاد شدید از ضعف دستگاههای (وزارت کشور و شورای نگهبان) در انتخابات گفت: ضعف دستگاههای ناظر قابل بخشش نیست.

حادث تازه ای صنعت توریسم و صنعت هواپیمایی را هم تهدید کند. دیروز خبرنگار سایت "روز" در فرودگاه لندن از مسافران پرواز بریتیش ارویز در این باره نظر خواهی کرد، پنجاه و دود صد آن ها گفتند که به خاطر آن که نگران روی کار آمدن راست های افراطی هستند از کشور خارج شده اند و بیست در صد معتقد بودند که کسانی را می شناسند که آماده خروج از کشور شده اند و وحشت از آینده کشور همه جا را فراگرفته است.

## یک کلام

**بیعت!**  
عزت الله سبحانی (جبهه ملی) گفت: حتی آنهایی که انتخابات را تحریم کردند باید از هاشمی حمایت نمایند.

**فرمانید این هم (سنجایی دوم) و (بیعت دوم با آخوند) و افتتاحی دیگر بیخ ریش ملی نماها! صدقه!**

هاشمی رفسنجانی گفت: من هم تصمیم دهم ماهیانه ۸۰ تا ۱۲۰ هزار تومان به بیکاران داده شود. **طبق معمول لابد در صف اول عیال و اولاد قرار داشتند و سایر بستگان سببی و نسبی؟! تحرک!**

نماینده تبریز گفت: با جداسازی، خانم ها و آقایان راحت تر می توانند در جامعه تحرک داشته باشند.

**این تحفه های حزب الهی تمام «تحرک» را برای توی رختخواب می خواهند!**

**دایم!**  
روزنامه جام جم نوشت: آمریکا و اروپا دنبال توقف دایم فعالیت هسته ای ایران هستند!

**بسته الله، بالاخره خرفهم شدید؟! بی عدالتی!**

هاشمی رفسنجانی گفت: کشور اسلامی بدون عدالت پیشرفت نمی کند. **اختیار دارید! پس از کجا به شما می گویند سردار سازندگی؟! مالیات!**

روزنامه کیهان خبر داد که پلیس مالیاتی در کشور ایجاد می شود! **لااقل اسم پلیس را از این آلوده تر نکنید و بگوئید واحد بسیجی مالیاتی ایجاد می شود! عروسک!**

احمدی نژاد گفت: ظاهرا من وارد محدوده ممنوعه قدرت شده ام و این یک گناه بزرگ و نابخشودنی است.

**بعضی نفرمائید! همه قبلی ها و حالایی های جمهوری اسلامی هم، مثل حضرتعالی عروسک خیمه شب بازی هستند!**

**هیچکس!**  
حداد عادل (رئیس مجلس) گفت: امروز کسی نمی تواند برای ملت تصمیم بگیرد!  
**جز پدر شوهر، دختر بنده، عروس خامنه ای و هم چنین آقا مجتبی رئیس گارد لباس شخصی ها...**

اکبر هاشمی رفسنجانی شب گذشته در دیدار با اعضای ستاد مشورتی خود که شب گذشته برگزار شد بار دیگر بر تشکیل جبهه اعتدال اسلامی تاکید کرد و گفت: باید بانشاط فراوان اهدافمان را پیگیری کنیم. **هاتف** هاشمی رفسنجانی در این دیدار گفت: در این انتخابات زشتی هایی هم رخ داد. به طور جدی باید سبک تبلیغات مورد بازبینی قرار گیرد برخی با تبلیغات نامی خواستند برای انقلاب چیزی باقی بگذارند، البته مردم دستاوردهای

## با نتیجه انتخابات موج گسترده مهاجرت از کشور آغاز شده است

به گزارش سایت روز: همزمان با دور دوم انتخابات ریاست جمهوری احتمال پیروزی احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری، موج گسترده ای از مهاجرت کارشناسان و استادان دانشگاه ها، هنرمندان و روزنامه نگاران رادور اول و دور دوم انتخابات دیده شده است.

در هفته گذشته چندین تن از روزنامه نگاران و هنرمندان از کشور خارج شده اند و احتمال داده می شود که کشورهای اروپایی و کانادا مقصد هزاران تن از ایرانیان تحصیل کرده باشد.

دفاتر هواپیمایی در تهران نشان می دهند که در سه روز گذشته هزاران نفر برای پروازهای روزهای بعدی جا ذخیره کرده اند. یک مسول آژانس مسافری در تهران گفت ابتدا در این تصور بوده است که هجوم مسافران به خاطر تابستان و موعد بازگشت مسافرانی است که تابستان را به تهران سفر کرده بودند و دارند به محل اقامت خود باز میگردند اما افزایش بی سابقه این تعداد مسافر نشان داد که هجوم مسافران علت دیگری دارد و عموما هم خانوادگی است.

به گفته این مسول با شرایطی که دارد اتفاق می افتد بعید نیست که **ابراز تاسف انگلستان از نارسایی در انتخابات!**

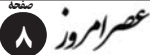
## ابراز تاسف انگلستان از نارسایی در انتخابات!

به گزارش بی بی سی: با اعلام نام محمود احمدی نژاد به عنوان برنده انتخابات ریاست جمهوری ایران، جک استرا وزیر خارجه انگلستان روند این انتخابات را از لحاظ معیارهای بین المللی دارای نارسایی توصیف کرد و گفت این انتخابات با توجه به شکایاتی که مبنی بر دخالت گسترده نیروهای مسلح در دور نخست آن صورت گرفت، حتی پیش از برگزاری دور دوم چهره مخدوشی پیدا کرده بود. **وی اقدام شورای نگهبان در رد صلاحیت بسیاری از داوطلبان نامزدی در انتخابات، از جمله زنان را محدود کننده حق انتخاب مردم ایران دانست و گفت اگر مردم ایران**

## معاون نخست وزیر اسرائیل انتخابات را برای جامعه جهانی مشکل آفرین خواند

شیمون پرز، معاون آریل شارون، نخست وزیر اسرائیل در واکنش به انتخابات ریاست جمهوری ایران گفته که انتخاب یک «معاظه کار افراطی» در ایران، مشکلات جدی برای جامعه جهانی خواهد آورد. **پرز افزود مفهوم انتخابات اخیر این است که ترکیب خطرناک افراط گرایی، سلاح های غیر متعارف و انزوا از غرب همچنان در ایران تداوم خواهد یافت. اظهارات پرز به دنبال انتشار بیانیه هایی از سوی سران کشورهای اروپایی مطرح شده است که در آن از**

مورد استفاده قرار گیرد.



# ROLLOVER® - THE BEST DEAL IN WIRELESS

CINGULAR NAMED "2005 CARRIER OF THE YEAR" BY WIRELESS WEEK

SONY ERICSSON S710a



VIDEO CAMERA PHONE  
REAL MUSIC RINGTONES

cingular raising the bar  
Authorized Dealer

## ONLY FROM CINGULAR

Roll over you unused Anytime Minutes, so you're protected from overage charges.

Your anytime Rollover® On Cingular GSM Nation plans \$39.99 and higher

Rollover® does not apply to Mobile-to-Mobile or Night & Weekend minutes

MOTOROLA V220



CAMERA PHONE  
AOL® INSTANT MESSENGER™



\*Cingular also imposes monthly a Regulatory Cost Recovery Fee of up to \$1.25 to help defray costs incurred in complying with State and Federal telecom regulation, a gross receipts surcharge, and State and Federal Universal Service charges. These are not taxes or government-required charges.

**Limited-time offer expires 6/30/05.** Other conditions and restrictions apply. See contract and rate plan brochure for details. Up to \$36 activation fee applies. Phone price and availability may vary by market. **Sales tax** calculated based on price of unactivated phone. **Early Termination Fee:** None if cancelled in first 30 days; thereafter, \$150. In addition to the \$150 early termination fee, the Cingular authorized agent running this ad also imposes an equipment charge of \$200 if service is cancelled more than 30 but less than 180 days after activation. **Billing:** Usage rounded up to the next full minute or kilobyte, at the end of each call or data session, for billing purposes. **Cingular Nation:** Cingular reserves the right to terminate your service if less than 50% of your usage over three consecutive billing cycles is on Cingular-owned systems. Customer must (1) use phone programmed with Cingular Wireless' preferred roaming database, (2) have a mailing address and live in the area in which subscription is made. **Alloway:** Coverage not available in all areas. See coverage map at stores for details. More bars claim compares Cingular's network before to after merger. **Nights and Weekends:** 9 pm to 6 am Mon - Fri; weekends 9 pm Fri to 6 am Mon. **Rollover Minutes:** Unused Anytime Minutes expire after the 12<sup>th</sup> billing period. Night and Weekend and Mobile to Mobile Minutes do not roll over. **Unlimited nationwide mobile to mobile** available with plans starting at \$39.99 with one year agreement. AOL, Buddy List, the triangle design and the running man logo are registered trademarks of America Online, Inc. Instant Messenger is a trademark of America Online, Inc. ©2005 Cingular Wireless. All rights reserved.



### وضعیت غیر مشخص آقای گل



آقای گل لیگ برتر وضعیت مشخصی ندارد. به قول خودش از چند تیم اروپایی و عربی پیشنهاد دادند ولی هنوز هیچ چیزی قطعی نشده است. او می گوید: صحبت هایی درباره ترانسفر من انجام شده اما هنوز چیزی قطعی نشده است. پس از بررسی مسوولان باشگاه وضعیت مشخص می شود. فقط این را می دانم که چند دعوتنامه از تیم های خارجی به باشگاه رسیده و آنها در حال بررسی هستند. فعلاً باید منتظر بمانم تا ببینم چه می شود. فکر می کنم از آلمان و ترکیه پیشنهادهای دارم.

عنايتی درباره جدایی از استقلال می گوید: پس از چند سال حضور در فوتبال ایران دوست دارم بازی کردن در خارج از کشور را هم تجربه کنم. امیدوارم شرایط مهیا باشد تا فصل آینده به اروپا بروم. و اما تیم های عربی. او می گوید: دوست ندارم در کشورهای عربی فوتبال بازی کنم. شرایط فوتبال اروپا بهتر است و ترجیح می دهم در آنجا به فوتبال ادامه دهم.

### تماشاگران ایرانی، دیوانه فوتبال

خوب است. ما به ایران باخته ایم و باید در بازی با بحرین حتماً پیروز شویم. روحیه تیم خیلی خوب است. من دلم می خواهد عکس هایی از سفرم به تهران را اینجا بگذارم. وقتی به ژاپن رسیدم، پسر برونو به من گفت که در ایران چه اتفاقی افتاده است. پنج نفر مرده اند و تعداد زیادی هم مجروح شده اند. من دیدم که استادیوم پر از تماشاگر است اما متوجه نشدم که ورود به استادیوم رایگان اعلام شده است. واقعاً از آن اتفاق ناراحت هستم. ایرانی ها در فوتبال واقعاً متعصب هستند. آنها بعد از بردن ما جشن گرفتند و یکدیگر را بغل می کردند. واکنش های آنها برای پیروزی واقعاً جالب بود اما متأسفانه هنوز از این اتفاق ها در حاشیه فوتبال رخ می دهد.



زیکو، سرمربی ژاپن یک نویسنده حرفه ای است. او تقریباً یک بار در هفته یک یادداشت فنی برای سایت رسمی فدراسیون فوتبال ژاپن می نویسد و گاهی هم مقالات و یادداشت هایش در نشریات ژاپن یا برزیل چاپ می شود. اما جناب زیکو یک وبلاگ شخصی هم دارد که در آن به زبان پرتغالی می نویسد و یک گروه هم مطالب او را به زبان های انگلیسی، ژاپنی و اسپانیایی در وبلاگ شخصی او می گذارند. دو عکاس (آتسوگو ژاپنی و فیدلپو برزیلی) هم به طور تمام وقت برای این وبلاگ و سایت رسمی زیکو عکاسی می کنند. خواندن یادداشت های شخصی زیکو درباره سفرش به ایران با تیم ملی ژاپن جالب است: ۲۷ مارس ۲۰۰۵، سلام، دوشنبه صبح است، ما در سایتام هستیم. دیروز تمرین کردیم، امروز هم تمرین داریم و فردا آخرین تمرین را برای بازی مقابل بحرین انجام می دهیم. یک بازی مهم دیگر، جو تیم خیلی

### لویی فرناندز مربی تیم الریان قطر شد

لویی فرناندز ستاره سابق تیم ملی فوتبال فرانسه با عقد قراردادی به سمت سرمربی تیم فوتبال باشگاه الریان قطر منصوب شد. به گزارش الجزیره اسپورت، براساس این قرارداد که در دوحه به امضا رسید، فرناندز به مدت یک سال سکان رهبری تیم فوتبال این باشگاه را به عهده می گیرد. او جانشین لارسن دانمارکی که حدود یک ماه پیش از سمتش برکنار گردید، شد. لارسن به علت نتایج ضعیف تیم الریان در رقابتهای لیگ حرفه ای و جام حذفی باشگاه های قطر از سمتش کناره گیری کرد. مبلغ قرارداد فرناندز با باشگاه الریان فاش نشده است اما در یکی از بندهای قرارداد آمده است که در صورت رضایت دست اندرکاران باشگاه از عملکرد این مربی، قرارداد او تا یکسال دیگر قابل تمدید است. فرناندز سابقه مربیگری در تیم های کان و پاری سن ژرمن فرانسه، آتلانتیک بیلباو و اسپانیول اسپانیا را نیز دارد.

### پیروزی برزیل مقابل آلمان

تیم ملی فوتبال برزیل روز شنبه با پیروزی بر تیم ملی فوتبال آلمان به دور نهایی جام کنفدراسیون ها در آلمان راه یافت. برزیل در این دیدار که در چارچوب رقابت های یک چهارم نهایی جام کنفدراسیون ها انجام شد، با نتیجه ۳ بر ۲ توانست بر تیم آلمان فائق آید. این دیدار در استادیوم شهر نورنبرگ آلمان و با حضور بیش از ۴۴ هزار نفر برگزار شد.

### والیبالیستهای ایرانی جهانی شدند

تیم ملی والیبالیستهای ایران شب گذشته توانست با پیروزی سه صفر مقابل تیم ملی والیبالیست قطر به عنوان دومین تیم آسیایی جواز حضور در مسابقات قهرمانی جهان سال ۲۰۰۶ ژاپن را به دست آورد. پیش از این در شهر آلمانی تیم والیبالیستهای ایران توانسته بود به این مسابقات صعود کند. تیم ایران قبل از این بازی فقط به یک ست پیروزی احتیاج داشت، هرچند که پیروزی بر استرالیا در روز اول مسابقات چهره تیم صعود کننده را مشخص کرده بود. حتی تعویض های زیادی هم که سرمربی قطر مخصوصاً در ست های دوم و سوم انجام داد به کمک تیمش نیامد و آنها در سه ست متوالی از تیم قدرتمند ایران والیبالیستهای برزیل شکست خوردند. این برای سومین بار است که ایران به جام جهانی والیبالیستهای برزیل راه پیدا می کند.

### دیدار ایران و لیبی رسمی شد

دیدار تیم های ملی ایران و لیبی در وب سایت رسمی فیفا درج شد. براساس تقویم فیفا این مسابقه در تاریخ ۲۶ اگوست (۶ شهریور) در استادیوم آزادی در تهران برگزار می شود. لیبی در حال حاضر در مقام ۶۶ جدول بهترین تیم های فیفا قرار دارد (۴۹ پله بعد از ایران) این تیم آخرین امیدهای خود برای صعود به جام جهانی پس از شکست یک بر صفر مقابل کامرون در پائونده را از دست داد. در حال حاضر لیبی در گروه ۳ مسابقات با کسب ۱۱ امتیاز از ۸ بازی در مکان چهارم این گروه شش تیمی قرار دارد. ساحل عاج با ۱۹ و کامرون با ۱۷ امتیاز تیم های اول این گروه سخت هستند که مصر امتیازی هم در آن شانس چندانی ندارد. سعدی قذافی پسر معمر قذافی که اخیراً به باشگاه اودینزه ایتالیا پیوسته مشهورترین بازیکن تیم ملی لیبی است، البته این بازیکن شش ماه به دلیل دوپینگ از حضور

## پيامد رئيس جمهورى شدن احمدى نژاد براى تيم پرسپوليس على پروين: بيچاره شديم!

خوش کرده بودیم به کمک های مالی آقای رفسنجانی اما حالا که او رییس جمهور نشده چه جوری می شود این تیم را چرخاند. خیلی از بازیکنان پولشان را نگرفته اند. همه مشکلات افتاده گردن من. مانند چه کار کنم. اصلاً قرار نبود به این وضعیت بیفتیم. باید راه حل جدیدی پیدا کنیم. علی پروین و پرسپولیس حتی نمی توانند به کمک های دولت جدید هم دل ببندند. حمایت های اخیر از هاشمی رفسنجانی توسط پروین و لیبرهای پرسپولیس در کارگران و محافل دیگر، نگرانی های سلطان را دربرابر کرده است. پروین حتی بعد از شنیدن خبر شکست هاشمی صبح دیروز در دفتر باشگاه حاضر شد و با خطیب مدیرعامل پرسپولیس صحبت کرد تا راه حلی برای این مشکلات پیدا کنند اما فعلاً راهی به ذهن پروین نرسیده. او می گوید: جام حذفی را چه کار کنیم؟ پول که نباشد بچه ها دل به کار نمی دهند. مانده ایم به خدا. چطور می شود تیم را جمع و جور کرد با بی پولی.

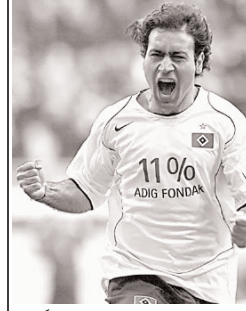


ویژه یی باز کرده بود و می گفت: اگر او رییس جمهور شود مشکلات مالی پرسپولیس از بین می رود. روز گذشته اغلب کسانی که در توابیر، دفتر علی پروین حضور داشتند با چهره دردم سرمربی فعلی پرسپولیس مواجه شدند. او که تمایل نداشت به سؤالات پاسخ بدهد، با واکنش های خود نشان داد روی حرفش نمی ایستد و از فوتبال خداحافظی نمی کند. پروین در این شرایط دیگر نمی تواند روی کمک های مالی هاشمی رفسنجانی حساب کند و دیگر نمی تواند با واسطه مهندس فاتیقی دوست نزدیک هاشمی به اهدافش جامه عمل بپوشاند. پروین دیروز می گفت: بدبخت شدیم! دلمان را

### حذف پرسپولیس در جام حذفی

تیم فوتبال پرسپولیس تهران با سربستی و مربیگری علی پروین عصر دیروز با شکست مقابل ابومسلم خراسان از دور رقابتهای جام حذفی باشگاههای ایران حذف شد. در این دیدار که به قضاوت مسعود مرادی و در ورزشگاه آزادی تهران برگزار شد، تیم ابومسلم خراسان با تنها گل دقیقه ۱۷ فریدون فضلی از سد پرسپولیس تهران گذشت و به مرحله یک چهارم پایانی این مسابقات صعود کرد. یحیی گل محمدی مدافع تیم

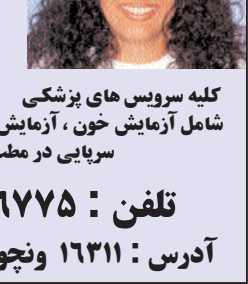
### چشم انداز نه چندان جالب برای مهدوی کیادرها مبورگ



توماس دال مربی باشگاه هامبورگ معتقد است: مهدوی کیادرها مبورگ از چشم انداز بزرگی در هامبورگ برخوردار نیست. دال در گفت و گو با شماره جمعه روزنامه مورگن پست چاپ هامبورگ افزود: من با بازیکنانی چون مهدوی کیادرها، رومو که چشم انداز بزرگی ندارند صحبت خواهم کرد. مهدوی کیادرها مبورگ گفت: هیچکس از بازیکنان این تیم اجازه ندارند که ناراضی خود را به بازیکنان دیگر سرایت داده و منتقل کنند و این امر برای همه بازیکنان صدق می کند. مسوولان باشگاه هامبورگ قبلاً نیز اعلام کرده بودند که مهدوی کیادرها تاستان ۲۰۰۷ میلادی با این باشگاه

### دکتر طناز کاهن

جراح و متخصص زنان، زایمان و نازایی از دانشگاه شیكاگو



Shir International  
Majid Barghi & Son's Company  
خدمات ساختمانی  
ومديريت آپارتمان بيلدينگ  
WWW.shir-international.com

انجام هر نوع کارهای ساختمانی داخل و خارج، بزرگ و کوچک  
در هر نقطه از لس آنجلس با قیمت بسیار مناسب و کیفیت کار عالی با گارانتی صد درصد  
Pager (۳۱۰) ۹۷۸-۳۱۶۰  
Office (۳۱۰) ۹۴۰-۶۴۴  
Cel (۳۱۰) ۶۷۸-۵۹۶۱

آموزش شنا، شیرجه و نجات غریق  
زیر نظر عباس خلیقی مربی درجه یک بین المللی و تیم ملی ایران  
باشنا صاحب بدنی زیبا و متناسب خواهد شد  
با ۱۰ ساعت تمرین شنا آیموز بدو حق التعلیم آنر اندر انتهای کلاس پرداخت کنید  
آموزش نجات غریق در ۵ جلسه  
آموزش شیرجه بصورت نیمه حرفه ای ۱۵ جلسه  
تلفن: ۷۷۶-۱۷۲۵-۸۱۸

محض اطلاع      گفته ها      محض اطلاع      شنیده ها      محض اطلاع      خواننده ها



**هوشناسی!**  
یکی که شدیداً به پیشگویی های هوشناسی بدبین است می گوید: وقتی آسمان آدمیزاد را غافلگیر می کند که مجبوری مثل موش آب کشیده به سر کارت برسی!

**عشق در یک نگاه!**  
یک سرباز وظیفه فرمایش دارد که من اعتقاد دارم آدمیزاد حتما می تواند در یک نگاه عاشق شود مثل من که دو روز بیشتر مرخصی ندارم!

**از کاشکی ها!؟**  
شباهت غذای رستوران با ازدواج در آن جایی است که وقتی سفارش غذا دادید، خودبخود چشمتان به میز بغل دستی می افتد و به خودتان می گوئید کاشکی آن غذا را می خورد!

**اسباب بازی و بابا!**  
آقا بیژن به مادرش گفت: من دوست ندارم اسباب بازی های منو به داریوش بدی! مامانش گفت: آخه پسر من بابا نداره که برایش اسباب بازی بخوره!  
آقا بیژن گفت: خوب پس بابا رو بهش بده!

**دیو شبانه!**  
شیرین خانم از کابوس شبانه اش برای سایر خانم های دیگر تعریف می کرد و می گفت که شبها دیوی به خوابش می آید. او وحشت زده از خواب می پرد!  
یکی از خانم ها پرسید: بعد چطور می شود؟ شیرین خانم گفت: هیچی می بینم که طرف کنارم خوابیده!

**حکایت بعضی از ما**  
دو تا مار با هم می رفتند و یک کرم افتاد وسط آنها و از یکی از مارها پرسید: معلومه ما سه تا مار کجا داریم می ریم!؟

**رستوران برگ سبز**  
بأبهترین موادغذائی آماده پذیرائی از میهمانان شما در رستوران و یاد منزل شماست  
14929 Magnolia Blvd., Sherman Oaks, CA 91403  
(818) 386-9672

سینمایی زیرزمینی همکاری داشته و فیلمی را به طور مخفیانه از وضعیت کودکان خیابانی به نام بچه های شهر من ساخته و قصد دارد این فیلم را پس از "ادیت آماده نمایش" نماید.

**اتفاق در نوات!**  
آخوندی رفت مستراح مسجد و در یکی از آنها را زد. صدا آمد: اهن! آخوند پرسید: حالا اسمت چی چیه؟ جواب داد: حسن قلی عباس! آخوند مصعباتی شد و گفت: پدر سوخته ها سه نفری رفتین اون تو چیکار دارین میکنین؟



**به ایران بر نمی گردم!**  
به طوری که شنیده ایم علی فلاح اسدی قهرمان کاراته آسیا که برای انجام مسابقه کاراته در لاس وگاس به آمریکا سفر کرده بود، قصد دارد در آمریکا بماند و به ایران برنگردد و تقاضای پناهندگی کند.  
همچنین اسدی در ایران با گروه

از توانایی های بازیگران، به آنان کمک می کند.  
هدیه تهرانی "که حالا دیگر بازیگر باتجربه سینمای ما محسوب می شود، وظیفه بازیگردانی یک فیلم را به عهده گرفته است.  
"لبخند" عنوان این اثر است به کارگردانی "هومن اطمیابی". لبخند در واقع ایزودی از یک فیلم بلند است که در خصوص صلح و دوستی میان جوامع بشری ساخته می شود.  
دیگر بخش های فیلم در کشورهای نیوزیلند، روسیه، اسپانیا و کوبا ساخته می شود. تهرانی جدا از بازیگردان، مشاور کارگردان این پروژه نیست هست.  
بچه های دبستانی در مقابل دوربین، حکم لوازم لبخند را خواهند داشت!



**بازیگردانی در سینما**  
بازیگردانی (راهنمایی هنرپیشگان برای ایفای رل) یکی از مقوله های جدید سینمای ایران است که این روزها به طور جدی در سینما و تلویزیون مطرح شده است.  
بازیگردان با هماهنگی کارگردان هدایت بازیگران را به عهده دارد و در رسیدن به نقش و استفاده درست

**SUPER OPTICAL VISION EYEWEAR SUPPLIERS**

**سوپرو ویژن**

آخرین کلام درمردو زیبایی عینک های آفتابی و طبی  
به مدیریت حسین سیلانی  
210 South Robertson Blvd Beverly Hills Ca 90211  
Tel: (310) 623-4848

**Café Trottoir**

پاتوق جوانهای باحال دیروز و امروز

انواع ساندویچ های خوشمزه ایرانی  
کباب کوبیده و جوجه کباب  
قلیان - اینترنت و لاتاری

کترینگ برای میهمانی های شما پذیرفته میشود  
20115 ShermanWay Winnetka, Ca 91306  
818 349-7686



**به کمک eBay می توانید فروشگاه اینترنتی باز کنید**

حراجی اینترنتی eBay در آستانه دهمین سالگرد تاسیس خود برای تقویت وفاداری کاربران، به فروشندگان فرصت می دهد برای خود وب سایت مستقل فروش کالا دایر کنند.  
این سرویس موسوم به Prostores به کسانی که اجناس خود را در این حراجی می فروشند، امکان می دهد صاحب آدرس اینترنتی شوند، ولی فروشهای خود را از طریق سیستم این حراجی انجام دهند و از تجربه مدیران فروش آن بهره بگیرند.  
افراد بیشتر و بیشتری از eBay به عنوان فروشگاه برای عرضه کالای خود استفاده می کنند و این شرکت می خواهد به حفظ آنها ادامه دهد.  
همچنین شش ماه بعد از آن که eBay تهدید کرد کارمندان را دستخوش افزایش شدیدی خواهد کرد، گردانندگان آن می خواهند رابطه خود را با کاربران گسترش دهند.  
این شرکت در ژانویه اعلام کرد که می خواهد کارمزد حراج ده روزه خود را دو برابر کند و به ۴۰ سنت برساند و همچنین اشتراک ماهیانه خود را برای ارایه ویتربینی ساده شش دلار بالا برد و به حدود ۱۶ دلار رساند.  
در ده سالی که eBay دایر شده، این حراجی به یکی از بزرگترین پروژه های تجاری اینترنت تبدیل شده است. این شرکت در سه ماهه منتهی به مارس، از بیش از یک میلیارد دلار فروش، میلیون دلار سود برد که ۲۸ درصد بیشتر از همین رقم در سال ۲۰۰۴ بود.  
اما به نظر می رسد هسته کسب و کار آن که حراجهای اینترنتی است، رونق خود را از دست می دهد و این

**محاکمه بنیانگذار پارمالات بخاطر رسوایی میلیارد دلاری**

بوده است. تفهیم اتهام متهمان تنها دو روز بعد از آن صورت می پذیرد که بانک آمریکایی مورگان استنلی پذیرفت با پرداخت ۱۸۷ میلیون دلار با پارمالات مصالحه کند.  
این ۱۶ نفر به دستکاری بازار، حساب سازی و کارشکنی برای بازرسان متهم شده اند. سه موسسه مالی نیز متهم به همدستی هستند. بانک آمریکن و موسسه حسابرسی دلویت این اتهامات را رد می کنند. انتظار می رود اولین جلسه دادرسی در ۲۸ سپتامبر در شهر میلان ایتالیا برگزار شود.  
آقای تانزی شرکت پارمالات را از یک میوه فروشی کوچک خانوادگی در پارما، واقع در شمال ایتالیا، به شرکتی با ۳۷ هزار کارمند تبدیل کرد که در بیش از ۳۰ کشور جهان دارای داشت.



یک قاضی ایتالیایی ۱۶ مدیر و سه موسسه مالی را به دلیل دخالت در فروپاشی تقریبی شرکت پارمالات، غول لبنی ایتالیا، رسماً تفهیم اتهام کرده است.  
یکی از این مدیران، کالیستو تنزی، بنیانگذار پارمالات است که به همراه سایر متهمان به دستکاری بازار و حسابر سازی متهم شده است. رسوایی ۱۸ میلیارد دلاری پارمالات، موسوم به انرون اروپا بعد از آن افشا

**شبههای تهران در TEHRAN CUISIN**

در انسینودر قلب ولی افتتاح شد  
پذیرائی هفت روزه هفته  
ناهار مخصوص از ۶/۹۹ به بالا

شنبه - جمعه - شنبه و یکشنبه شبها  
همراه با هنرمندانی که دوستشان دارید

(ادوارد) چهره آشنا میهماندار شما در محیط خانوادگی شبهای تهران در Tehran Cuisin خواهد بود

رقص عربی و خواننده سورپرایز

بهرام فروهر      پروانه      سیدکریم

به همراهی ارکستر فریدون حیدرینیا، ویلن بهروز پناهی و ضرب و تمپو از جمال اسفندیاری

واقع در شاپینگ سنتر انسینو بالاس  
16101 Ventura Blvd  
(818) 905-7774  
تلفن اطلاعات و رزرو

**هیچ بستنی و پالوده ای، بستنی و پالوده گل و بلبل نمیشه**

آدرس: وست وود      تلفن: ۲۱۲۱ - ۴۷۰- (۳۱۰)      شعبه دوم ۱۱۶۲۸ سانتامونیکا